

حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، که تهدید دائمی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، باید پایان یابد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۶
سهشنبه ۲۵ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۸ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اطلاعیهای، مواضع کلی دولت را نسبت به وضع حساسی که در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم صدام تکریتی به ایران، در منطقه خلیج فارس بوجود آمده است، روشن کرد. در بند یکم این اطلاعیه آمده است:

«جنگی که بر ایران تحمیل شده است، توسط رژیم صدام طراحی شده، بلکه او صرفاً وسیله‌ای برای اجزایش بوده است و پشت سر او دشمنان انقلاب اسلامی بوده‌اند که میخواستند این حکومت مردمی و الهی انقلاب اسلامی را از میان بردارند.»

و چنانکه میدانیم، فردای هجوم خائنانه رژیم جنایتکار صدام به ایران، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (همچنین دیگر مقامات عالی‌رتبه مملکت) بسراحت «این دشمنان انقلاب اسلامی» را، که

بشت سر رژیم صدام ایستاده‌اند، معین کردند و گفتند: «صدام حسین به تحریک امریکای ایران حمله کرده است» و در حقیقت، «ایران در حال جنگ است با امریکا».

وزارت امور خارجه، ضمن اشاره به اینکه دشمنان ایران «تقش‌هايشان پسرمل شده و تصورات واهی‌شان صورت تحقق پیدا نکرده و رژیم صدام قربانی این تقشه شده و در سرانجام سقوط افتاده‌است»، اظهار «یقین» کرده است که این دشمنان «در اندیشه تقشه دیگری، تا از راهی دیگر ضربه خورش را وارن کنند.»

مسئله این هتدار بجا و بوقوع است که بارها از سوی نیروهای راستین انقلاب و هواداران بیدار و بیکر جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده و اینک از جانب وزارت امور خارجه نیز تأیید گردیده است.

وزارت امور خارجه در بند دوم از اطلاعیه رسمی خود، با

«سیاست‌گرایی» از «بشپتیانی‌یدرغ و خالصانه ملت در این جنگ تحمیلی» و اظهارتانیف از «ادامه جنگ و ریخته شدن خون افراد یگانه و خرابی هر دو کشور»، تصمیم قاطع دولت جمهوری اسلامی ایران را درباره شرایط پایان یافتن جنگ بیان دیگر تأیید کرده است:

«امام» که رژیم متجاوز از سرزمینهای ما بدون هیچگونه قید و شرطی بیرون نرود، طبیعی است که این جنگ تحمیلی هیچ‌چنان ادامه خواهد یافت.»

ضمناً وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به دولتها توجه داده است که سکوت در مقابل «هجوم غیرانسانی رژیم صدام جایز نیست، چون ممکن است به گسترش دامنه جنگ در منطقه و تشدید وخامت اوضاع بیانجامد، در بند سوم اطلاعیه خود، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ضمن اینکه «تجمع ناوگانهای جنگی ابرقدرت

امریکا و دول صاحب قدرت را در نزدیکی منطقه شدیداً محکوم کرده است، بار دیگر تأکید می‌کند:

«همانگونه که در گذشته اعلام داشته‌ایم، صرفنظر از اعمال حق قانونی ایران در رابطه با دولت یا دول متخاصم منطقه، تا آنجا که به ایران مربوط است، باز نگهداشتن تنگه هرمز را تقسیم میکنیم و باقتضای اصول انقلابی و اسلامی خویش مخالفت خود را با حضور هرگونه پایگاه نظامی خارجی وابسته به ابرقدرت آمریکا یا هر قدرت دیگر در خلیج فارس را اعلام میکنیم و معتقدیم که این مخالفت نهایتاً منافع مردم منطقه را حمایت خواهد کرد.»

وزارت امور خارجه در بند چهارم از اطلاعیه منتشره، عدم تجاوز به آب و خاک دیگران و احترام از تمامیت ارضی دیگر کشورها، از جمله کشورهای منطقه بقیه در صفحه ۲

مواضع دشمن در اطراف جاده آبادان - ماهشهر بمباران شد

جنایتکاران صدامی، مناطق مسکونی اهواز و ذوقول را با توپخانه مورد حمله قرار دادند

نبرد دلاوران انقلاب با مزدوران صدام در جبهه‌های نبرد، طی دوروز گذشته نیز ادامه یافت و ضربات دیگری بر دشمن جنایتکار وارد آمد.

خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه خوبین شبر گزارش داد:

شدیدترین آتش توپخانه در یکی از جبهه‌های شرقی خوبین شبر، از عصر روز شنبه تا پانجماء یکشنبه بین مدافعان انقلاب و متجاوزین صدامی جریان داشت.

گزارش خبرگزاری پارس از این جبهه بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد

تفسیرهای سیاسی

صفحه ۲

محاکمه، گروه چهار نفره در چین

نمایانگر ادامه مبارزه بغاظر قدرت در درون رهبری کنونی چین

صفحه ۶

بهشت ضیاء الحق

صفحه ۶

کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی

صفحه ۴

دهقانان آماده‌اند تا تجاوز صدام آمریکائی را سرکوب کنند

صفحه ۵

روش جدید سرمایه‌داران بزرگ برای مقابله با انقلاب

سرمایه‌داران بزرگ‌روا هستند، که از تمیق انقلاب و اقدامات خلق مسئولین جمهوری اسلامی ایران بوحشت افتادند، روش جدیدی برای مقابله با انقلاب در پیش گرفته‌اند.

بر اساس این روش، عوامل آنها در نقاط مختلف به تبلیغات علیه دولت و اقدامات آن در زمینه اقتصادی دست می‌زنند و می‌کوشند با وارونه جلوه دادن ماهیت اعمال مسئولین در مردم ایجاد شک و تردید کنند.

اخیراً یکی از این افراد در خیابان ۱۶ متری امیری، مردم را دور خود جمع کرده و به دروغ پراکنی مشغول بود. او که برای حفظ ظاهر تهرینی هم دانست و دانشا تبسج می‌گرداند، به مردم می‌گفت: مملکت ما را کمونیستی کرده‌اند و به دروغ می‌گویند که اسلامی است!

یکی از افرادی که در آنجا بود، از این شخص دلیل حرفش را پرسید، او «چیرمندی کالاهای ضروری مردم» را مطرح کرد و از مشغول میاهو و جنجال بود که خانم بچه به بغلی خود را نزدیکتر کرد و به او گفت: با این کار (کوهن دادن) دیگر سرمایه‌دارها نمی‌توانند کالاهای لازم را اختکار کنند. ما هم به قیمت عادلانه جنس‌مان را می‌خریم.

این جواب دندان‌شکن، که با تأیید مردم روبرو شد، باعث سکوت آن شخص مسلمان‌نسا گردید و وی از آنجا رفت. دو روز بعد مرد دیگری در جلو دانشگاه همان حرفها را تکرار می‌کرد.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول، خواستار برخورد هتیارانه با این عناصر ضدانقلابی و وابسته هستیم.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

بمناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

آزادی بخش بسیاری از خلق‌های جهان را، بویژه در آمریکای لاتین، الهام بخشید.

مردم و زحمتکشان کوبا، در پیرو رهبری حزب کمونیست کوبا، که در راس آن رفیق قیدل‌کاسترو قرار دارد، به دستاوردهای چشمگیری در همه کتره‌های زندگی اجتماعی دست‌یافته‌اند. این دستاوردها بویژه از آنجهت شکر و ستایش‌انگیز است، که علیرغم دسیسه‌های تبه‌کارانه و پایدار امپریالیسم آمریکا علیه کوبا، انقلابی در پهنه‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، حاصل شده است.

نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان برای کمک و همبستگی

آترناسیونالیستی کوبا به جنبش‌های آزادیبخش سراسر جهان ارجح‌اوان قائل هستند. انقلابیون کوبا، که خود همواره آماج حملات گسترده امپریالیسم و ارتجاع جهانی بوده‌اند، هیچگاه از پشتیبانی فعال از پیکار خلق‌های ستمدیده علیه استبداد، استثمار و امپریالیسم در راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی دریغ نوزیده‌اند.

رفقا!

انقلاب سدامپریالیستی و خلقی ایران، نه تنها به سرنگونی یکی از خون‌آشام‌ترین رژیم‌های جهان منجر گردید، بلکه همچنین ضربه‌ای سهمگین علیه یکی از بزرگترین استکرات‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا،

بمعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است

خارجه‌نداریم، ما باید درسیاست خارجیمان، چه وزارت خارجه و چه وزیر امور خارجه، بدانند که بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است. ما همیشه در رابطه خارجی خود با امریکا بعنوان يك دشمن نگاه میکنیم. «رابطه ما با امریکا رابطه ما و يك دشمن قدرتمند اصل است» و مسئله دیگر مسئله اسرائیل است. درسیاست خارجی ما اسرائیل بعنوان يك دولت غاصب محسوب میشود. ما معتقدیم که این دولت غاصب باید از بین برود و آتانی که در فلسطین اشغالی، که هم‌اکنون بنام اسرائیل خوانده میشود، ام از مسلمانان، یهودیها، مسیحیها و آنها که اهل آنجا هستند و زندگی میکنند، تشکیل يك دولت بدهند، به هر شکلی که خودشان میخواهند. اما دولت اسرائیل بقیه در صفحه ۲

مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی: دوره تحصیلات عمومی، اجباری و رایگان میشود

آقای محمد کاظم نائینی، مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، طی يك گفتگو با روزنامه اطلاعات، بیرون نحوه تغییر نظام آموزشی، توضیحاتی داد. او در مورد نظام آموزشی جدید گفت:

«در نظام آموزشی جدید دو دوره قبل از دانشگاهی بیشتر نخواهیم داشت: یکی دوره تحصیلات عمومی همت که برای عموم مردم لازم و ضروری و رایگان است و حتی جزء فرایض دینی عموم مردم است و طبق قانون اساسی، دولت موظف است که تمام امکانات را در این زمینه برای مردم فراهم کند.»

در این دوره عمومی ما باید فرد را برای زندگی کردن در يك جامعه اسلامی آماده کنیم، صرفنظر از شغلی که بعداً ممکن است انتخاب بکند. مثلاً باید خواندن و نوشتن را یادبازده فیم و درک‌بازده به قوانین مملکتی آشنا شود، بدانند چه کسی را باید انتخاب بکند و انتخاب شونده دارای چه شرایطی باشد، ریاضیات را یادبازده رقع حوابع زندگیش باید بیاموزد. همه کسانی که بعد از اجرای طرح نظام آموزشی جدید در ایران متولد میشوند، باید این دوره را بسودن استثناء بگذرانند.

مدت این دوره هشت سال تعیین شده که میتوانیم آنرا دوره عمومی یا هدایت و ارشاد بنامیم. بطور کلی و خلاصه این دوره برای آشنا کردن مردم به آنچه که در جامعه به آن نیاز دارند، می‌باشد. واضح است که ما نمیتوانیم ایندوره را از مطلق اول راهنمایی شروع کنیم، بلکه باید آنرا از اول شروع کرد و سن در نظر گرفته شده برای ورود باین دوره از شش سالگی می‌باشد.»

نامه «مردم» - ما ضمن تأیید این تصمیم صحیح و بجا، در مورد اظهارات آقای کاظم نائینی، نظر خود را بعداً بتفصیل منتشر خواهیم ساخت.

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس، طی يك گفتگو، که در روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۲۴ آذرماه ۵۹ منتشر شده است، بیرون اصول سیاست خارجی ایران، مطالب مهمی را مطرح ساخته است.

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها در پاسخ سئوال: شما چه رهنمودها و یا پیشنهاداتی برای وزارت امور خارجه دارید، گفت: «وزارت خارجه باید به این نکته دقیقاً توجه کند که وزارت

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

خارجه دولت ما در زمان شاه در روابط خارجی به سستی میرفته که دوقتا بعد از پیروزی انقلاب به آن سستی نم‌رود. وقتی که ما بوضعیت وزارت خارجه‌مان نگاه میکنیم، میبینیم که در زمان‌شاه اصولاً سیاست خارجی ایران در وزارت خارجه و در دولت ایران تعیین نم‌شده. سیاست خارجی ما در آمریکا تعیین میشده. ایران درست در جاذبه آمریکا قرار گرفته بود و به هر سستی که آمریکا حرکت میکرد ایران هم می‌ایست به آن سمت

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها در پاسخ سئوال: شما چه رهنمودها و یا پیشنهاداتی برای وزارت امور خارجه دارید، گفت: «وزارت خارجه باید به این نکته دقیقاً توجه کند که وزارت

اعلامیه مشترک سازمان‌های دانشجویی کشورهای منطقه به حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران: دانشجویان جهان تجاوز رژیم ضد مردمی صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم میکنند

صفحه ۲

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

خارجه‌نداریم، ما باید درسیاست خارجیمان، چه وزارت خارجه و چه وزیر امور خارجه، بدانند که بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است. ما همیشه در رابطه خارجی خود با امریکا بعنوان يك دشمن نگاه میکنیم. «رابطه ما با امریکا رابطه ما و يك دشمن قدرتمند اصل است» و مسئله دیگر مسئله اسرائیل است. درسیاست خارجی ما اسرائیل بعنوان يك دولت غاصب محسوب میشود. ما معتقدیم که این دولت غاصب باید از بین برود و آتانی که در فلسطین اشغالی، که هم‌اکنون بنام اسرائیل خوانده میشود، ام از مسلمانان، یهودیها، مسیحیها و آنها که اهل آنجا هستند و زندگی میکنند، تشکیل يك دولت بدهند، به هر شکلی که خودشان میخواهند. اما دولت اسرائیل بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلامیه مشترک سازمان‌های دانشجویی کشورهای منطقه به حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران: دانشجویان جهان تجاوز رژیم ضد مردمی صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم میکنند

نمایندگان سازمان‌های دانشجویی منطقه، که برای شرکت در سیزدهمین کنفرانس اتحادیه بین‌المللی دانشجویان به برلین - پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان - سفر کرده بودند، در یک گردهمایی که به دعوت هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران برگزار شد، شرکت کردند و با امضای اعلامیه‌ای، توطئه‌های امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران - از جمله تجاوز رژیم ضد مردمی صدام - را قاطعانه محکوم کردند. متن این اعلامیه چنین است:

پایه دربارهٔ تشدید تجاوزات امپریالیسم در منطقه و جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران:

ما امضاءکنندگان زیر از:

« انقلاب ضد امپریالیسم، دموکراتیک و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی،

« مبارزه عادلانه مردم ایران بمنظور دفاع و سیانت از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و دستاوردهای آن،

« مبارزه عادلانه مردم ایران علیه تجاوز رژیم صدام، که توسط امپریالیسم طرح ریزی شده،

« انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم عراق،

« تصرف بااصطلاح سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران، که در واقع لانه جاسوسی و توطئه علیه انقلاب ایران و کشور-های شرقی همسایه، نظیر اتحاد شوروی و افغانستان بود،

حمایت می‌کنیم،

ما:

« تجاوز رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی عراق، که توسط امپریالیسم آمریکا طراحی شده و هدف آن درهم شکستن انقلاب رهایی‌بخش مردم ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است،

« تفتیق، تعقیب، اعدام و فرود رزمندگان انقلابی کمونیست و مسلمان توسط رژیم دیکتاتوری صدام حسین،

« حمایت امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی عرب نظیر رژیم عربستان سعودی، اردن، مصر، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) از رژیم صدام،

« سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدین آن به منظور ادامه

غارت منابع طبیعی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، را محکوم می‌کنیم.

ما خواهان:

« پایان حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در منطقه خلیج و اقیانوس هند،

« خروج همه نیروهای تجاوزگر عراق از خاک ایران،

« پذیرش شرایط عادلانه‌ای که دولت ایران برای آزادی «گروگانها» مطرح ساخته و پایان استفاده از مسئله «گروگانها» به عنوان بهانه تشدید تبلیغات علیه ایران انقلابی و افزایش حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و تداوم سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا،

« همیت،

سوریه: اتحادیه ملی دانشجویان سوریه

جمهوری عربی صحرا: اتحادیه عمومی دانشجویان پولیساریو (نوکیساریو)

جمهوری دموکراتیک خلق یمن: شورای مرکزی دانشجویان یمن (دمکراتیک)

عراق: اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق و جامعه دانشجویان کرد در اروپا

اتیوپی: اتحادیه ملی دانشجویان دانشگاه‌های اتیوپی

جمهوری عربی یمن (شمالی): کمیته عالی دانشجویان جمهوری عربی یمن

پاکستان: اتحادیه فدرال دانشجویان پاکستان

عربستان سعودی: سازمان دانشجویان عربستان سعودی

سودان: فدراسیون دانشجویان دمکرات سودان

کویت: اتحادیه ملی دانشجویان کویت

اردن: اتحادیه ملی دانشجویان اردن

مصر: اتحادیه دموکراتیک جوانان مصر

بنگلادش: اتحادیه دانشجویان بنگلادش

سريلانکا: اتحادیه ملی دانشجویان سريلانکا

فیلیپین: شورای جوانان دمکرات فیلیپین، اتحادیه دانشجویان فیلیپین

ایران: سازمان جوانان توده ایران.

نمایشگاهی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در شهرستان رشت



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان رشت، نمایشگاهی از مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا در باغ محترم این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه که از ۶ آذرماه ۵۹ دایر شده بود، دربرگیرنده طرحهایی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، عکسهای از دل‌آوردیهای پاسداران و مبارزان میهن ما در جبهه‌های جنگ تحمیلی و همچنین تصاویری از رهبر انقلاب بود. این نمایشگاه در مدت‌برایی خود، با استقبال پرشور مردم این شهرستان روبرو شد.

کمک‌های سازمان حزب توده ایران در سمنان

سازمان حزب توده ایران در سمنان و همچنین سازمان جوانان توده ایران در سمنان میزبان کمکهای نقدی و جنسی خود را به جنگ‌زدگان کشور اعلام کردند. این در سازمان تاکنون مجموعاً حدود ۴۰ هزار ریال پول نقد و مقادیری قند و شکر، نان، سیبزمینی، کمش، کمپوت، برنج، دارو، لباس و مقادیر پتو به جنگ‌زدگان کشور اهدا کرده‌اند.

محل فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت توسط عوامل ضد انقلاب به آتش کشیده شد

این حادثه تأکید کرد که عاملین این حمله تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. ما نیز ضمن محکوم کردن این اقدام ضد انقلابی، توجه مقامات مسئول را به نیات و اهداف عاملین این حوادث جلب میکنیم و خواستار دستگیری و مجازات عناصر ضد انقلابی هستیم.

خبرنگار نامه مردم در تبریز را آزاد کنید!

سفيد در اختیار دارند لذا ممکن است ماشین فتوکپی هم داشته باشند! (از اسوسی دامبرای انقلاب این شهرستان بازداشت شده‌اند. ما ضمن اعتراض به این اعمال غیرقانونی، خواستار آزادی فوری رفتاری خود هستیم.

بعضی شاخص...

دولت غاصب است. بنابراین در سیاست خارجی، ایران باید در جهت سیخ همه مسلمانان دنیا به سمت ازین بردن این دولت غاصب باشد و در دنیا آن کشورهایی که مستقیماً رودروی اسرائیل می‌ایستند، در سیاست خارجی باید از دوستان ما باشند و با آنها رابطه‌مان باید نزدیک باشد. کسانی که از کشورهای اسلامی و عربی به نحوی به اسرائیل کمک می‌کنند و رابطه دوستی با آن کشور دارند، یا حاضر نیستند برای ازین بردن این دولت

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱ و دشمن اصلی خلق ماست. امپریالیسم آمریکا، پس از آنکه این دسیسه‌های انقلاب - براندازانه اش با شکست روبرو شد، جنگ تحمیلی داروخته صدام حسین را با مین انقلابی مابراه انداخت. تا به خیال خود شرائط بازگشتی‌یادی خویش را به ایران فراهم آورد و سلطه چپ‌رانگانه خود را به خلق ما از سرگیرد. ولی اینبار نیز عزم راسخ و فداکاری‌قهرمانانه خلق ما این نقشه شیطانی را با ناکامی متسخانه مواجه ساخت.

توده‌ایها، که از آغاز انقلاب دوش بدوش دیگر هم‌میهنان خود - مبارزان مسلمان هوادار امام خمینی و دمکراتهای انقلابی و دیگر قشرهای خلقی - در راه پیشبرد هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ۱۳۵۷ رزمیدادند، اینبار نیز در صفوف پیشاپیش جبهه جنگ، با ایثار خون خود، بدفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران مشغولند.

انقلاب ایران اینک، از نظر کیفی، در آستانه مرحله‌ای نوین قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله نبرد طبقاتی حادی است که میان نیروهای خلق و پیرو زرفتن انقلاب از یکسو و بورژوازی لیبرال و ضد انقلاب از سوی دیگر جریان دارد. بورژوازی لیبرال، که باقتضای سرشت

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

رفتاری گرم! با نهایت سیاست‌گزاری از دعوت از حزب توده ایران برای گسیل نمایندگانی برای شرکت در کنگره دوم حزب کمونیست کوبا، بعلت محدودیت‌هایی که در نتیجه جنگ تجاوزی و تحمیلی داروخته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، در زمینه خروج از کشور پدید آمده‌است، متاسفانه ایفای این امر تا این لحظه ممکن نیست. از این جهت مجبوریم که به پیام شادباشی به کنگره شما اکتفا ورزیم. با درودهای رقیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تهران: ۲۳ آذر ۱۳۵۹

حضور نظامی...

بقیه از صفحه ۱ خلیج فارس و کشورهای همجوار، را از پایه‌های «انقلاب اسلامی ملت ایران» شلوار و متقابل رعایت صادقانه آنرا از دیگران خواستار شده است.

و بالاخره بند پنجم اطلاعاتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران «گردهمایی‌های مشکوک و دست‌پدیدهایی را که هدفی جز توطئه و ایجاد ناآرامی بیشتر در منطقه خلیج فارس ندارند، محکوم» کرده متذکر می‌شود که، شایسته است آنها «تمامی کوشش خود را یسراری باین سرگرتن سرزمینهای غصب شده توسط اسرائیل متجاوز و قس مقدس بکار گیرند، که در ای صورت خواهند دید ایران انقلابی در پیشاپیش همگان خواهد بود».

این تذکر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با دنظر گرفتن گردهمایی‌هایی نظیر کنفرانس سران متوجه رژیم‌های وابسته کشورهای عربی، که چندین پیش در پایتخت اردن برگزار شد - و با شکست مواجه گردید - و تلاش آمریکا و دست‌نشاندها گانش برای ایجاد بلوک‌بندی نظامی جدید (نظیر سنتو) در منطقه، اهمیت ویژه‌ای کسب میکند.

وضع بسیار حساس منطقه خلیج فارس و توطئه‌های گسترده و خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که در حقیقت علیه منافع واقعی همه خلقهای منطقه است و امنیت و صلح را در منطقه و در جهان تهدید میکند، دقت نه تنها دولتهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، بلکه توجه کشورهای غیرمتحد، مسلح‌دوست و مترقی، از کوبا تا هند، را بخود جلب کرده است. برخلاف آنچه که بعضیها فلداد میکنند، و بویژه در نتیجه

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تفسیرهای سیاسی

یکی از بزرگترین ترمیمات انقلاب ایران، جلب توده‌های وسیع مردم به سیاست است. این خلعت تمام انقلاب‌های مردمی است. آزادی گسترده‌ای که پس از سرنگونی رژیم شاه ملعون به دست آمد، زمینه را برای حضور مردم در صحنه سیاست فراهم ساخت. انقلاب به نیروی خلق پیروز شده بود و رهبری انقلاب، که بر توده‌ها متکی بود، نه تنها نفعی در دور نگاه داشتن مردم از سیاست نداشت، بلکه برعکس، حضور مردم در صحنه را به درستی ضامن تداوم انقلاب می‌دانست و به همین دلیل می‌کوشید "سیاسی" بودن توده‌ها را با تمام ابعاد آن نگاه دارد. مبارزه بین نیروهای که انقلاب را خاتمه یافته می‌دانستند و می‌کوشیدند توده‌ها و نهادهای انقلابی آن‌ها را از صحنه سیاسی خارج کنند و دوران "سازندگی" را، با تکیه به دستگاه دولتی سابق، آغاز نمایند و نیروهای که هوادار "انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول" به پشتیبانی مردم بودند، به پیروزی انقلابیون بی‌گیر خاتمه یافت. مردم در صحنه سیاست باقی ماندند. امروز می‌توان گفت که خلق ایران یکی از "سیاسی‌ترین خلق‌های جهان است". جای تعجب نیست که در چنین جوی و در میان چنین مردمی، تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی، از جمله در مسائل بین‌المللی، در مطبوعات، رادیو و تلویزیون تا این حد رواج یافته باشد.

منبع اصلی بسیاری از تفسیرها مطبوعات غربی است

اما متأسفانه در این رواج، بین کمیت و کیفیت ناهماهنگی عجیبی حکمفرماست. دلیل کیفیت نازل بسیاری از تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی، قبل از هر چیز نازل بودن سطح دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی از یک سو و وابستگی فرهنگی ما به غرب از سوی دیگر است. نظام شاهنشاهی اکثر روشنفکران ما را در چارچوب فرهنگ سیاسی غرب محدود کرده، در دنیای یک بعدی سرمایه‌داری محصور ساخته و استقلال اندیشه را از آنان سلب نموده بود. دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی و سپس - مانده‌ترین رشته علوم بود. اکثر دانشجویانی که در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصادی، روزنامه‌نگاری، جامعه‌شناسی و غیره چه در ایران و چه در اروپای غربی و آمریکا تحصیل می‌کردند، اطلاعات، دریافت‌ها و داوریهایشان از دنیای غیرسرمایه‌داری، بر پایه کتب، روزنامه‌ها و مجلات غربی شکل می‌گرفت، که زشت جلوه دادن این دنیا وظیفه اصلی آنها بود.

پس از انقلاب، کسانی، با همان کوله بار معلومات تحریف شده، از اروپای غربی و آمریکا به ایران آمدند و برخی از آنها در مطبوعات و رادیو تلویزیون به کار مشغول شدند. این گونه افراد چون با یکی دوزبان خارجی کمی آشنا نباشند، روزنامه‌ها و مجلات انگلیسی و آلمانی و فرانسوی را پیش خود گذاشتند و بر پایه محتویات آنها به تفسیر و تحلیل حوادث سیاسی بین‌المللی آغاز نمودند.

نظریه اصلی در اغلب این تفسیرها و تحلیل‌ها از این مجلات و روزنامه‌ها گرفته و حتی گاهی بدون ذکر ماخذ ترجمه می‌شود. امیدواریم فرصتی دست بدهد و ما با ستود مدرک این گفته خود را به اثبات برسانیم. البته مقصودمان جمله بندی و طرز بیان نیست، بلکه نظریه‌هاست، فکر-هاست، هر چند آن را در جملات دیگری، جز جملات اصل آن روزنامه یا مجله خارجی پیچیده باشند. ولی حتی گاهی کلمات و عبارات نیز عیناً همان کلمات و عبارات است.

متاع قلبی که این مفسران و تحلیل‌گران غرب زده از روی مجلات و روزنامه‌های اروپای غربی و آمریکا به نام تفسیر و تحلیل سیاسی بخورد خوانندگان خود می‌دهند، در بسیاری از موارد منحرف کننده و زبان بار است. هستند کسانی که دانسته مردم را به انحراف می‌کشند، اما کسان دیگری

نیز هستند که، به دلیل آن که نمی‌توانند از آن چه در دوران شاهنشاهی در ایران و یاداروپای غربی و آمریکا خوانده و یا شنیده‌اند، یا فراتر نهند، تفسیرها و تحلیل‌هایشان نیز در همان چارچوب انجام می‌گیرد.

ترقی سطح دانش سیاسی پس از انقلاب

با وجود این، اگر نگاهی به مطبوعات ایران در دوران پس از انقلاب بیفکنیم، می‌بینیم که با پیشرفت انقلاب، سطح دانش سیاسی پیوسته ترقی کرده است. برخورد اندیشه‌ها و تعاطی افکار در زمینه مسائل داخلی و بین‌المللی تاثیر مهمی در بالا بردن سطح تفکر سیاسی در ایران پس از انقلاب داشته است. چه بسیار اندیشه‌های نادرست که در اثر این برخورد به تدریج حاکمیت خود را از دست داده‌اند و حتی به عکس مردم در صحنه سیاسی آزماینگاه محت و سقم این اندیشه‌ها بوده است. آزادی عقیده و مطبوعات، این نعمت بزرگی که انقلاب ایران با خود به ارمان آورد، برای عرضه کردن تمام افکار زمینه مساعد فراهم کرد. برخورد عقاید در صفحات مطبوعات موجب شد که مردم به تجربه خویش به درستی و نادرستی قضاوت‌ها و مواضع سیاسی افراد و روزنامه‌ها و احزاب و گروه‌ها بی‌برند.

نتایج زاین بخش تفسیرهای نادرست

تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی به خصوص در دوران پس از جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران اوج گرفته است. در این تفسیرها و تحلیل‌ها گاهی نکات نادرست و نتیجه‌گیری‌های غلطی به چشم می‌خورد که به دلیل حساسیت زمان و موضوع می‌تواند زیان‌های بزرگی بر ما وارد کند.

برخی از تحلیل‌گران نتیجه‌عارا قبلا می‌گیرند و سپس حوادث و وقایع را در بطن این نتایج "جاسازی" می‌کنند. برخی دیگر بر پایه اخبار نادرستی که از حوادث و وقایع دارند، نتایجی نادرست ترمی‌گیرند. این نیز یکی دیگر از میراث‌های ننگین رژیم شاهنشاهی است که تحلیل‌گران ما تنها از منابع خبری و مطبوعات غرب یعنی از "امپریالیسم خبری" تغذیه می‌کنند. یک مفسر سیاسی با این منابع خبری و اطلاعاتی و با پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌ها و نظریات نادرستی که بر اساس آموزش غلط دارد، جز آن چه می‌نویسد، چه می‌تواند بنویسد؟ تنها یک دریچه به روی او باز است و آن دریچه غربی است که خبرها و اطلاعات و تفسیرها و تحلیل‌های خود را بر حسب منافعش تنظیم و منتشر می‌کند. این است یکی دیگر از مظاهر وابستگی عمیق فرهنگی (و به دنبال آن سیاسی) ما به امپریالیسم و این وابستگی بیش از هر چیز و بیش از هر چیز در رابطه ما با دنیای سوسیالیسم آشکار می‌گردد.

رئیس جمهور: امریکا بانی جنگ عراق علیه ایران است

برای آن که برای گفته‌های خود نمونه‌ای بیاوریم، از میان انبوهی از تفسیرها و تحلیل‌هایی که پس از آغاز جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران در روزنامه‌ها منتشر شده است، یکی از تازه‌ترین آن‌ها را انتخاب می‌کنیم و ارزش مدعا‌های آن را با محک واقعیات و عقل سلیم می‌سنجیم. این تفسیر به صورت مقاله‌ای در روزنامه انقلاب اسلامی (شماره اول آذر سال ۵۹)

زیر عنوان "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق" چاپ شده است. نویسنده مقاله مدعی است که: "شوروی برای نجات از بن بست افغانستان... هیئت حاکمه عراق را، که به وسیله ثروت‌های غنی منابع نفتی بیمن‌های طویل‌مدت و سنگین نظامی باروسیه داشت و با اسلحه‌های مدرن و ارتش نسبتاً مدرنیزه‌ای را در منطقه بوجود آورده بود، بهره‌جست و صدام را، دلگرم از پشتیبانی نظامی خود، به حمله به ایران تشویق نمود."

مقصود نویسنده روشن است. آقای مفسر می‌خواهد بگوید که: اتحاد شوروی محرک جنگ عراق با ایران است! بی‌اطلاعی (ا میدواریم غرض نباشد) از خلال این نوشته فوراً می‌کنند. مدتها است که دیگر احدی در ایران و حتی در غرب چنین ادعای بی‌اساسی را مطرح نمی‌کند. امروز همه می‌دانند که محرک این جنگ آمریکا بوده است. جالب آن که عین این مطلب را ما در چند صفحه بیس، از همین شماره روزنامه، از زبان آقای رئیس‌جمهور، که صاحب امتیاز روزنامه نیز هستند، می‌خوانیم. ایسان به درستی چنین می‌نویسند:

"آمریکاییان این جنگ بوده‌اند و این جناحی که انتخابات را برده است، بانی این جنگ بوده است و ادامه جنگ به سود آمریکا است. این جنگ وضعیت دلار را به سود آمریکا تثبیت می‌کند و قیمت‌های مواد ساخته شده و خام را به سود آمریکا پایین و بسیار می‌برد و موقعیت سیاسی - نظامی آمریکا را در خاورمیانه تثبیت می‌کند..."

نویسنده تفسیر "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق" اگر کوچک‌ترین اطلاعی از سیاست اتحاد شوروی و تاریخ معاصر جهان می‌داشت، می‌دانست که جنگ افروزی از ریشه با ماهیت نظام سوسیالیستی و با سیاست خارجی اتحاد شوروی تباین دارد. ما در تاریخ شصت و چندساله اتحاد شوروی حتی یک مورد نمی‌توانیم پیدا کنیم که این کشور آغازگر جنگ یا هوادار اقدامات جنگی برای حل مسائل مورد اختلاف باشد. اتحاد شوروی همواره تمام کوشش خود را برای خاموش کردن کانون‌های جنگ و جلوگیری از توسعه آن به کار می‌برد. در دوران اخیر، بهترین نمونه آن میانجی‌گری اتحاد شوروی در جنگ میان هندوستان و پاکستان بود، که به برقراری صلح منجر شد.

کشورهای سوسیالیستی، چنان که رهبران آن بارها اعلام کرده‌اند، با توسعه جنگ ایران و عراق و مداخله سایر دولت‌ها در این جنگ مخالفند، زیرا ادامه این جنگ - چنان که آقای بنی‌صدر به درستی نوشته‌اند - به سود امپریالیسم آمریکا است.

این جنگ به سود آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی است، زیرا مبارزه ضد امپریالیستی تمام خلق‌های منطقه را در جبهه واحد که موجب تضعیف امپریالیسم - دشمن اتحاد شوروی و تمام خلق‌های جهان می‌گردد، به مبارزه بین خود آنان، که سبب تضعیف جبهه واحد ضد امپریالیستی می‌شود، مبدل می‌سازد، و در همان حال بهانه‌ای برای تقویت و گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس می‌گردد - که به نوبه خود خطری جدی برای استقلال خلق‌های منطقه و صلح و امنیت در منطقه جهان است.

خیانت رژیم صدام حسین به خلق عراق، به خلق ایران و به سایر خلق‌های منطقه این است که در جبهه واحد - امپریالیستی خلق‌های ایران و عراق و سایر خلق‌های منطقه، به نفع سیاست آمریکا شکار انداخته و عملاً نقش نیروی ضعیف امپریالیسم آمریکا را به عهده گرفته است.

از ریشه مخدوس و شمرانگند است. زیرا حقیقت را - که همه اعصاب حسه بخوانند - به سود امپریالیسم آمریکا دگرگون جلوه گرمی‌سازد.

اتحاد شوروی صادقانه پشتیبان انقلاب ایران است

از سوی دیگر، نویسنده تفسیر این ادعای بی‌بایه مطبوعات غربی را، که گویا اتحاد شوروی از سرایت انقلاب اسلامی ایران به ۶۰ میلیون مسلمان روسیه می‌ترسد (و به عقیده او این یکی از دلایل "لشکرکشی روسیه" به افغانستان است!) تکرار می‌کند و با این حلقه سر ربط، تجاوز رژیم صدام به ایران را با حوادث افغانستان بهم متصل می‌کند.

نظریه "ترس شوروی" از انقلاب اسلامی ایران را با راول مطبوعات بزرگ غرب، که همه در دست انحصارات، بخصوص انحصارات صهیونیستی است، به میان افکنند تا "ثابت" کنند که به علت این "تضاد" منافع بین اتحاد شوروی و انقلاب اسلامی ایران، اتحاد شوروی نمی‌تواند پشتیبان انقلاب ایران باشد، زیرا گویا رشد و توسعه جنبش اسلامی در ایران، ۶۰ میلیون مسلمان اتحاد شوروی را به قیام برضد دولت خود، برخواند انگیزت.

تحلیل‌گران غرب خودسان کما بیش از وضع اتحاد شوروی و مسلمانان آن کشور اطلاع دارند و به قدر برخی از مفسران ما بی‌ساده نیستند. اما با این دروغ‌ها به "مفسران" ما خوراک می‌دهند، و چون به وابستگی فرهنگ سیاسی ما به غرب به خوبی واقفند، اطمینان دارند که کالی تقلبی آنان در کشور ما رواج خواهد یافت، و چنان که می‌بینیم متأسفانه رواج هم یافته است.

اما بی‌بینیم رشد انقلاب اسلامی چه خطری می‌تواند برای منافع اتحاد شوروی ایجاد کند. "رشد انقلاب" بدانگونه که ما می‌فهمیم، به معنای گسترش و تحقیر انقلاب است. انقلاب ایران فقط از یک راه می‌تواند "رشد" کند و آن راه راندن سبای صدام برائستی و ضد سرمایه‌داری در آن است. انقلاب ایران از همان ابتدا در این مسیر گام نهاد و تا هیچ و خم‌عایی در آن راه به جلو گام بر نمی‌دارد. حرکت در انقلاب ایران در این مسیر سیسرفت کند، زمینه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مخالفت با سوسیالیسم و کشورهای سوسیالیستی نیز در ایران کاهش می‌یابد و نیروهای طرفدار تیره کردن روابط با کشورهای سوسیالیستی ناتوان تر می‌گردند. هر قدر انقلاب اسلامی بیشتر رشد کند، نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری آن نیرومندتر و نیروهای ضد سوسیالیستی آن ضعیف تر می‌شوند. برعکس، اگر رشد انقلاب اسلامی متوقف شود و پایه عقب‌برگردد و در ایران، ساداتی یا بختیاری به حکومت برسد، سمت ضد شوروی و ضد سوسیالیستی آن اوج می‌گیرد و سمت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری آن شاخه نزولی خود را آغاز می‌کند.

بنابراین، برخلاف عقیده نویسنده مقاله، اتحاد شوروی زچینش-های انقلابی اسلامی هراسی ندارد، زیرا رشد این جنبش‌ها با منافع بنیادی جهان سوسیالیسم و از جمله اتحاد شوروی هماهنگی کامل دارد، زیرا جنبش‌های آزادی بخش ملی زیر عرسرجمی (از جمله رحم اسلام) باشند، متفقان طبیعی دنیای سوسیالیسم‌اند. اما درباره این که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری می‌تواند بر مسلمانان اتحاد شوروی به جای بگذارد، بین کشورها و جمهوری‌های مسلمان اتحاد شوروی، که اغلب با ایران مرز مشترک دارند، از دیرباز روابط فرهنگی و اقتصادی و غیره وجود داشته است. بسیاری از این خلق‌ها، از جمله آذربایجانی‌ها، ترکمن‌ها و غیره در دوسوی مرز ایران و اتحاد شوروی زندگی می‌کنند. پس از برقراری حکومت رضاخان در ایران به دنبال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، رضا خان، به دستور اربابانش هرگونه مراد و ارتباط بین خلق‌های

کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی

*** کارفرمایان هر چه می خواهند می کنند و اداره های کار هنوز تماشاگرند.**

وزارت کار و امور اجتماعی، پیش از انقلاب، بخشی از نظام سرسپرده شاهنشاهی بود. نظام پیشین نیز در خدمت امیرالیسم جهانی و در راس آن امیرالیسم آمریکا شکل گرفت. آن دستگاه از بیج و مهره های گوناگونی استفاده می کرد، تا حرخ های اجتماع را به سود خود به جرکت در آورد. بنابراین، اگر موسسه، اداره، تشکیلات یا قانون و مقرراتی در کار بود، هدف دیگری نداشت مگر ادامه غارتگری و موجه سان دادن نابرابری و ستم. وزارت کار و قانون کار نیز در محدوده مربوطه خود، می بایست از هر جهت دستیار سرمایه داران بزرگ و وابسته به امیرالیسم و کارگران داخلی آن باشد. در ظاهر، البته، این نهاد و ضوابط به اصطلاح قانونی آن ناظر بر حل اختلاف بین کارگر و کارفرما، فرمول بندی حقوق هر یک، اجرای آیین نامه های گوناگون مربوط به اداره کارخانه ها و نظارت بر عموم مسائلی بود، که در جریان کار امکان بروز پیدا می کرد.

اما اگر در آن قانون کار از سندیکا، از حقوق و مزایای کارگری، از شرایط بهداشتی و ایمنی مطمئن برای تداوم جریان تولید و حفظ سلامتی و حقوق انسانی کارگران سخن می رفت، در عمل حتی همین اندک هم محلی از اعراب نداشت.

کار فرمایان در تعیین میزان دستمزد و مزایا و در استخدام یا اخراج کارگران هیچگونه محدودیتی نداشتند. آنان بر سر سینه های آریامهری متکی بودند و به کارگران حق کوچکترین صحبت و اظهار نظری داده نمی شد. هیچ کاری از کار خود نه تا مین داشت و نه کمترین اندازه رضایت. ولی در مقابل همه وسایل، روش ها، ضوابط و روابط و سیاست های عملی دستگاه سابق، به ویژه در وزارت کار، یک - بارجه در خدمت کار فرمایان غارتگر بود. بدیهی است که چنان نظامی دوام نداشت و حتی در اوج قدر منشی ها و رجز خوانی هایش با اشکال گوناگون اعتراض و اعتصاب کارگری مواجه می شد. سرکوب، حبس و شکنجه کسان کارگران نیز چاره نبود و سرانجام با اوج گیری جنبش انقلابی، نظام نوینی بر - ویرانه های دستگاه فاسد پیشین پدید آمد و جمهوری اسلامی ایران بارهبری امام خمینی تشکیل شد. روزنه های امید باز شد و از آینده روشن خبر داد. طبقه کارگر ایران نیز حق حیات یافت و کوشید تا نسیم سعادت بار انقلاب را به کارخانه ها

هدایت کند. چه مبارزه دشواری را از سر گذرانده بود و اکنون چقدر کار پیش رو داشت! طبقه کارگر ایران می بایست در سندیکاها و اتحادیه های مستقل خود متشکل می شد، به تدوین قانون کار انقلابی باری می داد، دست غارتگر کار فرمایان طاغوتی را قطع می کرد، ضد انقلاب را در محل کار خود درهم می کوبید و در عین حال همه مبارزات خویش را در چارچوب دفاع بی امان و عملی از انقلاب و نظام نوین به پیش می راند.

در این میان دشواری ها کم نبود. هر چند رژیم سابق سرنگون شده بود، ولی آثار نوم آن پابرجا بود. سیستم اداری دست نخورده بود. تشکیلات عریض و طویل وزارت کار و اداره های کار استان ها برای سرکوب کارگران سرهم بندی شده بود و هنوز همان ضوابط و روابط به طور عمده به جای خویش باقی بود. تا این دستگاه وجود داشت، هم زمان با ایجاد نهادهای انقلابی و تلاش برای درهم شکستن نظام اداری پیشین در کل جامعه، وزارت کار نیز باید دگرگون می شد. ولی این کار ماند و ماند و به تعویق افتاد و در این میان، حتی پس از پیروزی انقلاب، بسیار امیدها که مجال شکوفایی و رشد نیافت.

این تاخیر که علت یا علت های آن کم و بیش برهنگان آشکار است. به هر حال می بایست جبران می شد. و سرانجام هم اکنون، وزیر منتخب مجلس شورای اسلامی چنین انتظاری را از نو و عملاً برانگیخته است.

آقای میر محمد صادقی از جمله به این معنی کاملاً توجه دارد که علی رغم وجود بسیاری از کارمندان شریف و مردمی در وزارت کار، تا ر و بود آن باید از نو بافته شود. این کار البته به آن معنی نیست که همه اخراج شوند و با آموزش جدید، عده دیگری، آن هم در بنای دیگری و با وظایف به کلی تازه ای، شروع به کار کنند.

نه: همانطور که وزیر کار خود گفته است: "چاره سازمانی وزارت کار" در دست بررسی است و معاون ایشان ماموریت یافته است تا نقایص و معایب را، که به قول ایشان "به نظر می رسد با شرایط انقلابی، سازگاری ندارد"، ارزیابی و تعیین کند. تا نسبت به تغییر آن اقدام شود.

واقعیت آن است که انقلاب ایران زمینه مساعدی فراهم کرد، تا کارگران ایران به خواست های حداقل و ابتدایی خود دست یابند و اکنون این زمینه مساعد بیشتر شده است. وزارت کار با عمل انقلابی خود باید حداقل این نیاز را جوابگو باشد. متأسفانه با یک نظر اجمالی به فعالیت های اداره های کار در طی بیست ماه گذشته، می توان دریافت که آن سازماندهی لازم و روح انقلابی، که باید در کار باشد - یا به وجود آید - هنوز مهیا نیست. به عبارت دیگر، اداره های

کار در خط انقلاب قرار نگرفته اند و کارگران در مراجعات مکرر خود، غالباً دست از پا درازتر و مایوس، در حالی که کوچکترین باری از کرده آنان سبک نشده، از این موسسه رانده شده اند. ذکر تنها چند نمونه منتخب، این مدعا را ثابت می کند:

تاریخ ۵۸/۸/۱۳ - چند تن از کارگران و کارکنان "شرکت مسافربری اتوتاج"، که حقوق و مزایای آن ها پرداخت نشده، به مدت ۵ ماه شکایت خود را در اداره کار دنبال کرده اند، ولی کوچکترین نشانه ای از رسیدگی به خواست هایشان در دست نیست. . . .

تاریخ ۵۸/۱۲/۱۵ - کارگری بدون کمترین بهانه و کوچکترین دلیل از "شرکت گسترش سردخانه" اخراج شده است. وی نیز مدت ۵ ماه است به اداره کار شکایت کرده، ولی هیچ نتیجه ای نگرفته است. از این شرکت نزدیک به بیست نفر اخراج شده اند. . . .

* وزارت کار با قاطعیت انقلابی و با استفاده از قانون مترقی کار، نقش بسیار با اهمیتی در دفاع از انقلاب و طرد ضد انقلاب خواهد داشت.

تاریخ ۵۹/۱/۲۵ - ده تن از کارگران کارخانه "چراغ سازی امید" واقع در خیابان ری، به اداره کار آمده اند. آن ها پیش از نورو اخراج شده اند. می گویند بیش از دو هفته است اخراج شده اند و مدعی آندهیچکس به کار آن ها توجیهی نمی کند. . . .

تاریخ ۵۹/۳/۳۱ - یکی از کارگران "کارگاه فرهود"، واقع در خیابان استخر، به نمایندگی از هشت تن از کارگران کارگاه، شکایت خود را تسلیم مسئولین اداره کار کرده است و می گوید:

"من به اتفاق چند تن از کارگران بیش از شش سال سابقه کار داریم، در حالی که تازه دستمزد، معادل حقوق پایه وزارت کار - یعنی روزانه ۵۶۷ ریال - است. خیلی وقت است شکایت کردیم، ولی هنوز خبری نیست. . . ."

مرداد ماه ۵۹ - حدود بیست تن از کارگران کارخانه "چای گلچین"، واقع در میدان شوش، به اداره کار مراجعه کرده اند و از قانون شکنی های کار فرمایان شکایت نموده اند. متأسفانه مسئولان اداره کار، به جای آن که به خواست های به حق آنان رسیدگی کنند به آنها نصیحت کرده اند که:

"یک طوری یا کارفرما بسازید، خوب نیست، با این بی کاری ها، با هم دیگر اختلاف داشته باشید!" تاریخ ۵۹/۶/۲۵ - در کارخانه

*** شکایات کارگران به اداره های کار هنوز مورد رسیدگی دقیق قرار نمی گیرند.**

کنونی - می پذیرد و از هزار در دکننده، به زحمت اگر یکی را فریاد کند. و از این "یکی" هم چه بسا در بسیاری موارد درگذرد، با علاج را به آینده موکول کند، و به هر حال بسیار کم اتفاق می افتد که از کار و زندگی خویش بزند و به اداره کار، مگر مراجعه کند. دلیل آن هم روشن است: هراس از این دستگاه عریض و طویل، اما به قول خود آنان "امامزاده بی معجزه". اما همین موارد هم در صورت رسیدن به این موسسه جوابگوی نمی شوند و این جریان خواه ناخواه در ذهن بعضی از کارگران "گذشته" را از نو زنده می کند. حال چگونه می توان عمل کرد وزارت کار و امور اجتماعی را زیر سؤال قرار نداد؟ اگر در این زمینه سخنی به میان نیاید، در بهترین حالت به معنای آن است که کارگران امیدی به بهبود ندارند. و می دانیم که چنین نیست.

پس اگر این نظام، از آن خود کارگران است، اگر آنان به درستی به آینده امیدوارند، و اگر برای طرد ضد انقلاب و برای تحکیم مبانی خلقی انقلاب، به دنبال آن هستند که دشواری ها را از سر راه بردارند، باید این نحوه برخورد راه نال نیک گرفت و نظرها، انتقادات، رهنمودها و حتی "اوقات تلخی ها" را به جان خرید. این حرف ها از دل بر خون کارگران برمی آید و باید بر دل مسئولین، که بسیاری از آنها خود کارنامه های انقلابی دارند، بنسیند.

دشمن بی گمان در این توطئه خود که کارگران را مایوس و سرخورده، از انقلاب رو بگردان کند، شکست خواهد خورد. آینده نشان خواهد داد که این یک خوش بینی بی محتوی و دلخواه نیست، بلکه واقعیت خود را در پیشرفت دستاوردهای انقلاب، در تدوین، تصویب و اجرای قوانین مترقی و در دفاع مستمر و بنیادی از منافع مردم، به دنیا نشان خواهد داد. اما آنچه که در مقام هشدار می توان و باید تصریح کرد آن است که:

- * وزارت کار و امور اجتماعی باید فعال شود و از هر جهت بر کار و زندگی کارگران نظارت کند.
- * مسئولین اداره های کار باید به دفاع از حقوق مشروع کارگران برخیزند و علی رغم همه کار شکنی ها و دشواری ها، کار فرمایان را ملزم به رعایت این حقوق کنند.
- * تدوین قانون جدید کار با نظارت و مشارکت نمایندگان کارگران هر چه زودتر به انجام رسد.

ما و اتحاد غرور آفرین همه اقشار مردم و همه خلقهای ایران، در مقابل با این دسیسه ها و تجاوزات، تاریخ ساز است، در شرایطی که همه انقلابیون و میهن دوستان، از جمله حزب توده ایران، همه توان خویش را در حفظ و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از رهبری سازش ناپذیر و هوشیار و قاطع آن بکار می برند، تا پوزه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و وابستگانش را به خاک بمالند و وظیفه ای مقدس تر از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی شناسند، و در حالی که صفوف یکپارچه مردم انقلابی ما به رهبری امام خمینی - رزوه برانندام امپریالیستهای جهانخوا را نداخته است، هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان بوشهر در پاسخ نامه مسئولان و تذکرآمیز، که از طرف حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر، در تاریخ ۶

شهرستان بوشهر در پاسخ ناسزا و افتراهای "هیئت پاکسازی" نامه سرکشاده ای خطاب به مسئولین ستاد امنیت استان بوشهر انتشار داده است، که در زیر نقل می شود:

"در این لحظات سرنوشت ساز، که مردم میهن ما درگیر جنگ تحمیلی با رژیم منفور بعث عراق، مجسری نقشه امپریالیسم جنایتکار آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است؛ در این لحظات که خیزش عظیم توده های بیدار کشور

نامه سرگشاده سازمان حزب توده ایران در بوشهر: تفرقه اندازی، بهر نام و عنوان، تنها بسود امپریالیسم آمریکاست

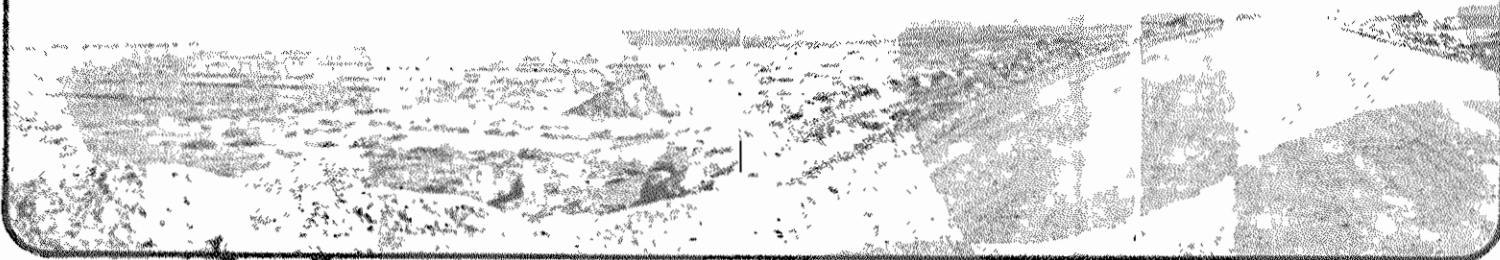
توده ایران، و به جای هرگونه پاسخ منطقی، جزوهای سرایا ناسزا و افترا علیه حزب توده ایران انتشار داد و در سطح شهر بخش کرد، غافل از این که ناسزا و افترا به حزب توده ایران، که از بدل هیچگونه فداکاری در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی دریغ نداشته است، نه به سود انقلاب است، نه مسکلی را حل می کند. حزب توده ایران - سازمان

*** حزب توده ایسران از مسئولان آموزش و پرورش می خواهد که انتقادات اصولی را چندی بگیرند و با آن برخورد انقلابی داشته باشند.**

جندی پیش در استان بوشهر، تعدادی از آموزگاران مرفقی را، که در آموزش و پرورش این استان شاغل بودند، تحت عنوان "پاکسازی" اخراج کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر، به این مناسبت نامه سرگشاده ای به عنوان اعتراض به این گونه اعمال، که در شرایط کنونی جز به سود شیطان بزرگ - آمریکا و عمال خارجی و داخلی آن نیست، به استاندار بوشهر و اداره آموزش و پرورش ارسال داشت، متأسفانه هیئت پاکسازی آموزش و پرورش بوشهر، در جواب اعتراض به حق حزب

مالکان بزرگ علیه هیئت‌های هفت نفری

این زمینهای وسیع باید به دهقانان بی‌زمین واگذار شود.



امام اعتقاد داریم که فرموده‌اند به دهقانان عزیز بگوئید که نه من هوادار مالک هستم و نه پشتیبان فتوادل»

گروه‌های ۷ نفری این سخن مستضعف‌پرور امام را حتما شنیده‌اند. ما هم بدینوسیله آن را بازگو میکنیم و ادامه فعالیت انقلابی آنها را

خواستاریم. وظیفه همه مقامات دولتی و نهادهای انقلابی است که به هیئت‌های ۷ نفری کمک کنند تا تشیبات لیبرالها به نتیجه نرسد و قانون مصوبه که به تأیید قضا نیز رسیده است عملی شود.

مالکین بزرگ نجات دهند. ما از انقلاب توقع عدالت داریم و حاضریم تا پای جان از آن دفاع کنیم. ما با دستان پینه بسته‌امان این دشتها را آزاد خواهیم کرد و با عرق جبین خود آنها را آبیاری خواهیم نمود. نگذارید زمینهای وسیع بدون استفاده بمانند و بچه‌های ما سر بی‌شام بر زمین بگذارند. نگذارید ما در حسرت داشتن امکان تولید بژمرده شویم و بپیریم. بیایید با واگذاری عادلانه زمین به ما هم حق حیات و کار و کوشش بدهید. نگذارید ما هم در نبرد بر علیه شیطان بزرگ از راه تولید، دین خود را به ملتیمان ادا کنیم. ما همیشه به گفته‌های

در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی تبریز زمین با ارزشی زراعتی بمقدار زیادی وجود دارد ولی ۲۰ خانوار از روستائیان خاصان از داشتن حتی یک وجب زمین محرومند. دهقانان میگویند: «ما را مالکین این روستا تهدید به مرگ می‌کنند و میگویند اگر با هیئت ۷ نفری تماس بگیرد شماها را از ده بیرون میکنند. باورنیکند ولی حقیقت دارد که حتی پس از انقلاب ما را در مسجد هم راه نمیدادند. روستائیان بی‌زمین روستای خاصان میگویند باید دست‌عده‌ای از آستین انقلاب بیرون آید و ما و خانواده‌امان را از فلاکت و ستم

زحمتکشان روستای وزیرآباد: اگر لازم بشود همه چیزمان را برای پیروزی بو صدام و امریکا می‌دهیم!

روستای وزیرآباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک، در منطقه فراوان قرار گرفته است. در این روستا نزدیک به سیصد نفر زندگی میکنند، که از این تعداد ۱۲ خانوار خوش‌نشین هستند. روستا دارای مدرسه است. جهاد سازندگی اراک نیز در این روستا اقدام به ساختن حمام بهداشتی کرده است. روستا فاقد برق است و قسمت‌هایی از جاده‌های روستا را به شهر مرصوص می‌کنند. در زمستانها غالباً بسته‌میشود. روستائیان خواهان تعمیر این جاده هستند.

قبل از انقلاب، یکی از مالکان وزیرآباد حدود ۸۰۰ هکتار زمین روستائیان را به ازای هکتاری ۵۰۰ تومان به زور از روستائیان خریده و مقداری از این زمین‌ها را به کسان دیگری فروخته بود. روستائیان با کمک هیئت هفت نفری ۲۸۰ هکتار از این زمینها را باز پس گرفته و زیرکشت برد دارند.

امان علی یکی از دهقانانی که بر روی زمین کار میکنند، میگوید: «این زمین را از طرف کمیسیون هفت نفری به ما داده‌اند. ما ۸۰ نفر بطور جمعی آنها را کشت میکنیم.»

زحمتکشان وزیرآباد نیز همچون زحمتکشان دیگر روستاهای میهنمان، امسال بفرمان امام خمینی، زمینهای بیشتری را کاشته‌اند. یکی از زحمتکشان بنام امیدعلی میگوید:

«اگر زمین بماند بدهد با زهم حاضریم بکاریم» و امان علی در ادامه صحبتهایش میگوید:

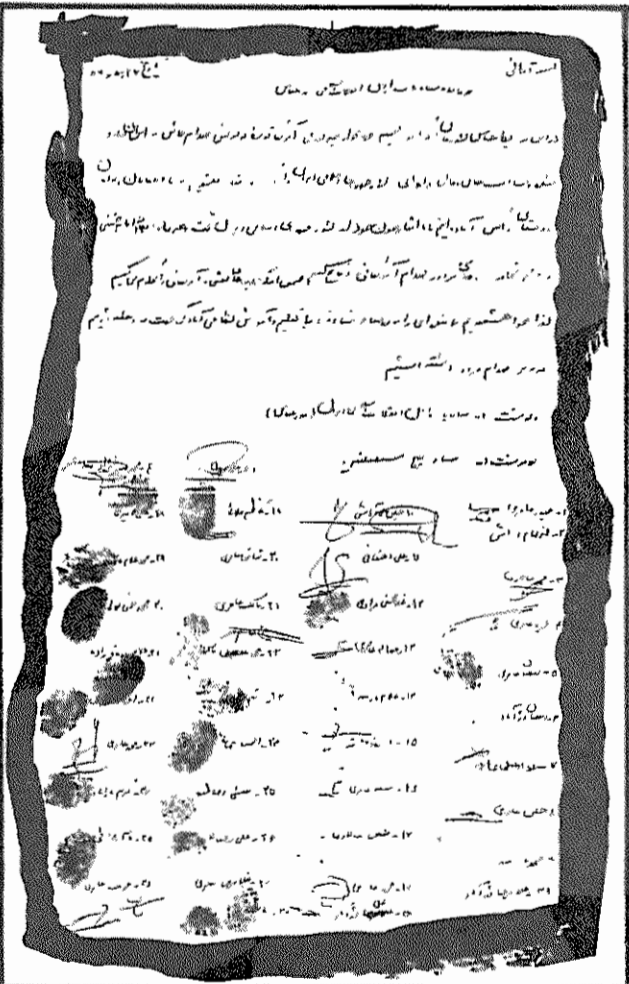
«بیکتفرا پینهمه زمین را نمی‌تواند بکارد. خدا را خوش نمی‌آید زمین بیکار بماند.» در باره تاجا و مزدوران صدام میگوید:

«ما جان و مال و هر چه را که داریم حاضریم در راه امام و انقلاب بمان بدهیم و حاضریم هر وقت امام دستور بدهد، به جنگ با صدام بیزید برویم و او را سرنگون کنیم. الان پسرم در سربل ذهاب بر ضد صدام کار فرمی جنگد.» وی ادامه میدهد:

«ما گندم، آرد، گوشت و پول برای جبهه داده‌ایم، و اگر لازم شود، همه چیزمان را برای پیروزی بر صدام و امریکا میدهیم»

این دهقانان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایرانند. زمین‌ها را با یکدلا و بدون استثناء با آنها داد تا انقلاب تحکیم شود. هیئت هفت نفری با ید تقویت سودده کار انقلابی بسیار مهم خود بپردازد. دهقانان حاضرند جان و مال و هر چه را که دارند، در راه امام خمینی و انقلاب بدهند. باید گذاشت که روحانی نمایان ضد خط امام و لیبرالهای سازگار مدافع استعمار و وابستگی، با این ایمان مقدس می‌لوسها دهقان صدمه‌ای وارد نکنند.

دهقانان آماده‌اند تا تجاوز صدام امریکائی را سرکوب کنند



در شماره امروز "نامه مردم" نامه دهقانان روستای زاکین از توابع بندر عباس را به ساه پاسداران منطقه جاب می‌کنیم که نمونه دیگری است از آمادگی روستائیان جان برکف ما برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران. آنها به حق انقلاب را متعلق به خود می‌دانند و در برابر ساه صدام امریکائی حاضرند جان خود را هم سار کنند. دران و مادران و همسران آنها نیز در دهات کسرتار- هارا به سنگ سرد تبدیل کرده‌اند و آماده‌اند همه‌جا را بکارند و هر چه در نیرو دارند بگویند تا محصول زبادتری به دست آید و فرمان امام دابر به جهاد کشاورزی را عملی سازند.

نامه روستائیان زاکین یکی از ده- ها هزار نمونه‌ای است که به نهادهای انقلابی الهام می‌بخشد تا در خدمت این توده زحمتکشان، برای سارمادهی نظامی آن، برای احیاء اقتصادی آن، برای کوتاه کردن حنقال غارتگر بزرگ- مالکان هرچه بیسر بگویند. و این است متن نامه و کلیه عین آن:

بسمه تعالی
فرمانده ساه پاسداران
انقلاب اسلامی
بندر عباس
در این شرایط حساس کشور- مان که امپریالیسم جهان‌نحوار به سرگردگی آمریکا توسط نوکرس صدام خائن به ایران حمله‌ور شده و خسارت جانی و مالی فراوانی به کشور جمهوری اسلامی ایران وارد کرده متذکر می‌شویم که مادهقانان و جوانان روستای زاکین آماده‌ایم تا با ایثار خون خود از کشور جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری خردمندان امام خمینی در برابر تجاوز

نیروهای مزدور صدام امریکائی دفاع کنیم. ضمن این که حمله نیروهای بعثی - امریکائی را محکوم می‌کنیم، لذا خواهشمندیم نماینده‌های رابه روستا فرستاده تا با تعلیم و آموزشی نظامی آمادگی جهت

نبرد علیه رژیم خونریز صدام مزدور داشته باشیم. رونوشت ۱- ساه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (بندر عباس) رونوشت ۲- ستاد بسیج مستضعفین.

ما را مورد حمله قرار داده است، رشد تولید و ایجاد روابط انسانی در تولید به قدرت ما در مقابله با امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز مزدور وی می‌افزاید. به شورای دهات باید وام‌های لازم را بطور جمعی داد تا به لایروبی و گرایه کمباین خرید سوم. دفع آفات و تهیه وسایل کشت و داشت و برداشت به‌پردازد. برای ایجاد مرکز خدمات کشاورزی که با وسایل متعلق به دولت به امر کشاورزی کمک کند باید فکر عاجلی کرد. همه این‌ها لازم است تا ما پشت جبهه را تقویت کنیم، نقشه محاصره اقتصادی را که آمریکا تدوین کرده درهم بشکنیم، جهاد کشاورزی فرموده امام خمینی را بخوبی و در تمام ابعاد آن سازمان دهیم.

افتاده‌اند و در نتیجه مقداری از گندم‌ها را به‌هدر می‌دهند. تعداد تیلرها ی درو نیز در منطقه کم است به طوری که درو با این وسیله هنگامی ۴۰۰ تومان برای دهقانان هزینه در بر دارد. یکی از اهالی می‌گفت: «سج هکتار گندم کاشته‌بودم، وقتیکه دیدم بایستی ۲۰۰۰ تومان برای درو بدهم در حالیکه به علت کمی بارندگی امسال محصول خیلی کم شده و درآمد حاصله نیز اندک است ناچار شدم به گوسفندداران به ۱۰۰۰ تومان بفروشم.»

که می‌خواهم محصول هر چه بیشتری در داخل کشور تولید کنیم و از واردات بی‌نیاز سوم. باید این مسائل را جدا حل کنیم. به علت وسیع بودن زمین‌های زیر کشت و کمبود تراکتور در روستای حاشلو، هزینه کشت گندم بسیار گران تمام می‌شود. بطوریکه تا هکتاری ۲۰۰ تومان می‌رسد. امسال جهاد سازندگی دو عدد تراکتور در اختیار این بخش گذاشت که با هزینه کمتری زمین را برای دهقانان شخم زدند. ولی این تنها در حد بسیار ناچیزی از درد را علاج کرد. کمبود کمباین و دیگر وسایل درو و برداشت محصول نیز مشکل دیگر است. همه ساله چند کمباین را از دشت کرگان و ترکمن- صحرا می‌آورند که اغلب خراب و از کار-

نیاز مبرم به یاری دولت برای تقویت پشت جبهه

چاپشلو یکی از بخش‌های شهرستان درگز و دارای جمعیتی حدود ۴۰۰۰ نفر است که ۶۱۵ خانوار را تشکیل می‌دهند. روستاهای اطراف حاشلو عبارتند از: بنگی قلعه، قلعه‌مینا، بشارت، بیات، ایلانجق، حسین‌آباد، کالو و کلاته- کندی. در این منطقه اکثریت دهقانان کم‌زمین هستند. محصول اصلی گندم است که به علت کمبود آب اغلب بصورت دیم کست می‌شود. بنه و میوه‌هایی نظیر خربزه و هندوانه از محصولات دیگر چاپشلو هستند. مقدار کمی خونیز به عمل می‌آید که کفاف دام‌های دامداران را نمی‌کند و دامداران با اجبار مقدار زیادی جورا از اطراف مسجد و سایر نقاط می‌خرند. در این روستا تعدادی قنات وجود دارد که به علت عدم لایروبی بدون مصرف مانده‌اند. به علت همین کمبود آب هر سال از سطح ربرکس بعضی از محصولات کاشته می‌شود و روستائیان با مشکلات زیادی دست‌به‌کربان هستند. آب‌های قناتی بصورت دوره‌ای (مداری) و به نوبت بابت برای آبیاری استفاده می‌شود. گاهی فاصله دو بوبت آن‌ها (یک‌مدار) به ۲۱ روز می‌رسد و حداقل آن از ۱۷ روز کمتر نیست. این به خوبی نشان‌دهنده کمبود آب است. در این مورد کمک به لایروبی و حفر جاه و زدن موتورهای آب‌یکی از مشکلات حیاتی این روستائیان را حل خواهد کرد. قنات عباس‌آباد به هزینه جهاد سازندگی در حال لایروبی است که هنوز تمام نشده. ولی در این منطقه، منطقه حاشلو به کمک وسیع و همه‌جانبه ارکان‌های مسئول و دولت احتیاج مبرم دارد تا بتواند در جهاد کشاورزی وسعا شرکت کند.

زراعی هزینه؟ دفع آفت، مشکل برتری است. هر ساله مقدار زیادی از محصولات زحمتکشان این منطقه به علت آفت‌زدگی از بین می‌رود. سلاجری که نوعی آفت مخصوص نقاط کم‌آب است، همه ساله باعث نابودی و سار مغربی محصولات سبه و خربزه و انگور دهقانان می‌شود. نبودن و گرانی تلمبه سمایی در این مورد مشکل دیگری است که بر دوش این زحمتکشان فشار می‌آورد. ما

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

محاكمه «گروه چهار نفره» در چین نمایانگر ادامه مبارزه بخاطر قدرت در درون رهبری کنونی چین

جریان دادگاه ویرنه یکن، که به پرونده "گروه چهار نفره" رسیدنی می‌شود، همچنان ادامه دارد. در نخستین جلسه دادگاه، کیفرخواست دادستان ویژه دادستانی کل چین علیه گروه ضد انقلابی لین بیاو و چیانگ چینگ (همسر مائوتسه دون) و یازده نفر دیگر قرائت شد. برای کیفرخواست دادستان ویژه، گروه چهار نفره و دستیاران آنان متهم به اعمال فشار و پیگرد رهبران حزبی و کارمندان عالی‌رتبه دولتی، برورده سازی و تحت تعقیب قرار دادن عده زیادی از کادرهای حری و کارمندان دولت وتوده های وسیع مردم و سرانجام تدارک کودتای مسلحانه ضد انقلابی هستند. در این دادگاه ویرنه، از متهمان فقط ده نفر حضور دارند و شش نفر دیگر آنان درگذشتند.

در کیفرخواست ذکر شده است که جنایات این گروه بطور عمده در سالهای "انقلاب فرهنگی" (که خود مائو تسه دون میگرداند) و الهام بخش آن بود و جریان آن را محاصره رهبری می‌کرد) انجام گرفته است.

با این که در کیفرخواست اشاره تربانیان سالهای "انقلاب فرهنگی" ذکری نشده است، اما در آن خاطر نشان شده است که چیانگ چینگ، (همسر مائو) و گروه وی مسئول مرگ ۳۵ هزار نفر و پیگرد و تبعید و زندانی شدن منجوز از یکصد هزار نفر هستند. در کیفرخواست اتهامی در مورد سو قصد به جان مائو تسه دون وجود دارد و در جریان دادرسی، به این اتهام برحسب کیفرخواست خاص داده می‌شود.

بدون تردید نتایج این اتهامات در کیفرخواست، به فرض صحت آن، به بحاطر تسدید مجازات متهمان، بلکه هدف کاملاً دیگری دارد. بر دارد. سازمان دهندگان این دادرسی، علاوه بر هدف های دیگر قصد دارند که مسئولیت تمام بیامده های فاجعه آمیز "انقلاب فرهنگی" و دیگر "آزمایش های" رسد مائو را به "گروه چهار نفره" در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) سرار مائو تسه دون به اتهام مخالفت ضد انقلابی و توطئه علیه حزب کمونیست و دولت حس دستگیر شده.

اما علت رسیدگی به پرونده آنها را در دادگاه، پس از قریب شش سال، باید در مبارزه ای جستجو کرد که پس از مرگ مائو تا کنون، در درون رهبری چین، بر سر قبضه کردن قدرت همچنان جریان دارد. نمایش دادگاه "گروه چهار نفره"، که بنا به عقیده بسیاری از مفسران خارجی به کارگردانی تنگ شیائوپینگ انجام می‌گیرد، دو هدف عمده را تعقیب می‌کند: هدف خارجی، یعنی اطمینان دادن به آمریکا و اروپای غربی و زاین در مورد این که "افراط کاری ها" در چین به پایان رسیده و سالهای "انقلاب فرهنگی" تکرار نخواهد شد. یعنی آنها با اطمینان می‌توانند روی چین، به عنوان یک طرف قابل اعتماد و بسا سیات، حساب کنند.

هدف دیگر آن به بیان رساندن جریان مبارزه درونی رهبری برای کسب قدرت به نفع تنگ شیائوپینگ و گروه طرفدار وی است. بنا به عقیده روزنامه های زاین، هر یک از مواد کیفرخواست علیه "گروه چهار نفره"، نه تنها هدف فرمت م حاضر در دادگاه را در بر می‌گیرد، بلکه به طور غیر مستقیم پای هوکوفنگ، صدر حزب کمونیست چین را نیز به میان می‌کشد. و شاید هدف اصلی این دادگاه، که به کارگردانی تنگ شیائوپینگ اداره می‌شود، بیش از محکوم کردن و به مجازات رساندن متهمان حاضر در دادگاه، وارد کردن ضربه نهایی به هوکوفنگ و گروه او و هموار کردن راه برای رسیدن تنگ شیائوپینگ به آخرین پله قدرت باشد. برررسی مراحل جداگانه این تلاش از جانب تنگ شیائوپینگ برای بیرون راندن رقبای خود از میدان مبارزه بر سر قدرت، مورد این امر است.

در فوریه سال ۱۹۸۰ (بهمن ماه ۱۳۵۸) در جریان برگزاری بلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، تنگ شیائوپینگ موفق شد که وان تنگ شینگ، معاون صدر کمیته مرکزی حزب و سه تن دیگر را، که در سالهای اوج "انقلاب فرهنگی" به قدرت رسیده بودند و از هواداران هوکوفنگ بودند، از مقام های رهبری برکنار کند و بدین ترتیب مواج هوکوفنگ را در رهبری حزب تضعیف نماید.

در اجلاس نوبتی مجلس نمایندگان خلق چین، که در بایز سال جاری کند، رسد اسلام خمینی که محور اصلی آن را مبارزه برضد امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا و ایجاد جامعه ای به سود کوخ نینیان و مستضعفان تشکیل می‌دهد، فقط هیچ "خطری" برای اتحاد شوروی در سر ندارد، بلکه مورد ستیانی اتحاد شوروی است. اسلام خمینی، چنانکه هر روز بحسب می‌بینیم، برای آمریکا و دستیاران رده سنا نندکشان خطرناک است و درست همین دلیل با تمام نیروی سیاسی خود برای نابودی آن نوطه می‌کند.

نقش مهم تحلیل گران در ساختن افکار عمومی

حاکم مسمم حلیلهای مدرسه و انحرافی، حواسه و با حواسه بران برزی به رسد تکرالم سیاسی وارد می‌بارند تحلیل گران سیاسی نقش مهمی در ساختن افکار عمومی بعده دار رسد و افکار عمومی در مسمن انقلابی ما، که توده های وسیع مردم آن در صحنه سیاست حضور دائم دارند، اگر در راه درست سنج سویده نیروی سکتا سکتا سکتا مادی تبدیل خواهد شد. تحلیل گران سیاسی انرجس نیستی دارند و مستحوه اند به این آب و خاک خدمتی کنند، باید نخست خود را از اسارت دنیای یک بعدی سرمایه داری و فرهنگ سیاسی آن رها کنند، و هر چه زودتر، بهتر، و این در باره کسانی است که حس پیدا دارند، نه آنان که عرص دارند و "صحنه بار دل سوی دسه"

«بهشت!» ضیاء الحق

حذرو رسیس، حشر خراب سهار اسلام آباد (پاکستان) گزارش دادند که ضیاء الحق، دیکتا تورپا کستان، در کنفرانسی از نویسندگان آن کشور، خطاب با آنها گفته است:

"از تصور آزادی بپرهیزید، زیرا در جایی یافت نمی‌شود!" البته اگر منظور از "جایی" قلمرو حکومت خودا و بود، باید دیگر جای بحث باقی نمی ماند. ولی، نه ضیاء الحق در کمال "نواخ" می افزاید: "پاکستان از نظر آزادی در مقایسه با سایر کشورهای جهان سوم بهشت است!" ژنرال ضیاء الحق، هنگامی که به درفاسی درباره "آزادی" در پاکستان می‌پردازد که موج ناراضی مردم در کشور همسایه ما علیه سلطه سوم او و دارو دسته اش وسعت میگیرد دور زیم دیکتا توری پاکستان هر چه بیشتر به اقدامات اختناق آمیز خود می‌افزاید. همین چند روز پیش، سردار شاه قاضی برجسته پاکستان و عضو پیشین دیوان عالی آن کشور، که از "بهشت ضیاء الحق" مجبور به فرار به افغانستان شده است، در مصاحبه ای مطبوعاتی در کابل از جنایات ضیاء الحق پرده برداشته و از جمله، گفت:

رژیم دست نشانده ضیاء الحق، که با مخالفت روز افزون مردم این کشور روبروست، روز بروز بر شدت سرکوب می‌افزاید

سردار شاه، ضمن اشاره به موارد مشخص خشنوبیا رموزین دمکراتیک بغوان نموده، خاطرنشان ساخت که پلیس ضیاء الحق "حتی به کنگره حقوقدانان نیز حمله ور شده است." فرما نروای "بهشت آزادی!" کویا فراموش کرده است که خود او با زیر پا گذاشتن قوانین موجود پاکستان، بیس از سه سال پیش حکومت قانونی ذوالفقار علی بوتورا از طریق کودتایی نظامی ساقط کرد. در دوران حکومت ضیاء الحق همه سندیگا ها و احزاب مخالف ممنوع و سندو حقوق و آزادیهای دمکراتیک، از جمله حق اعتصاب و اجتماع و آزادی مطبوعات لغو گردید. ضیاء الحق، که نخست ریاکارانه وعده بر گزاری استخبات آردار میداد، جدا ر این وعده را استعوی انداخت و اکنون نیز دیگر حمی در اسپاره سزبان نمی‌آورد.

ضیاء الحق، مزون بر مسلمان خایی رسوا پیش در صحنه بین المللی، در حدود پاکستان نیز همواره کونیده است تا با سو استفاده ز نام اسلام، سر سرکوبهای مستبدانه و سیاست های واس گرایانه خود سرپوش گذارد. وی در سخنرانی پیشگفته خود در "کنفرانس نویسندگان سیزدهم" در کربلا این تر مسددست زد و آنرا فخر احواسدا "قلمها بستان را در خدمت اسلام" نگار برند. اما مردم پاکستان هم بحوبی میدانند که اسلام ضیاء الحق همان اسلام آمریکا نیست. ضیاء الحق برای آنکه "مسلما می خود را بسبوت رسا د، حتی برای تکمیل "فن سلاق زنی، فط اعضای بدن، سگسار و اعدام های عمومی، از عربستان سعودی یکی دیگر از مراکز اسلام آمریکایی - مساور

تفرقه اندازی

قچه از صفحه ۴

۵۹/۶/۶ فرستاده شده بود و با خواندن این نامه، می‌توان ساخت صحیح حزب ما را از شرایط کمونی درک کرد. حوزه ای سران توهمن و امتر در سطح شهر، با اعضای سر مسکولیت "هیئت تاکازی آمورس و پرورس انسان بوسهر" منتر کرده است، که محدد بعدا ر اوج گیری انها حمایت نظامی مردوران عسای ار هوا و زمین و دریا، دوشنبه ۵۹/۷/۱۲ سیر تکرار گردیده است، که هر اسان سیر عرص ومومس به انقلابورا به تعجب وامیدارد، که در چنین شرایطی، سا سوچه به مواج اعلام سده حزب نوود ایران، که به سهدب اسناد حزبی و فحجات رورانه نامه مردم، همواره در جهت تاقید و حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند صدامریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی بوده است و سبگیری و ستیانی ما در این امر بر مسکولان امور سیز پوسیده نیست، چرا باید با چنین ساختی روسرو

و ارد کرد هاست! یکی از اهداف عمده رژیم ترور و اختناق پاکستان همواره حزب کمونیست پاکستان بوده است، که از سال ۱۳۳۳ تا کنون در شرایط مخفی می‌رزمد. جلادان ضیاء الحق، در تاریخ ۱۸ مرداد ۵۹، رفیق نظیر عباس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان را، پس از شکنجه های دهشت بار، به سادت رسانیدند. از سوی دیگر، جام ساکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب "حزب" بین ازدسال ونیم است که در بندر خیما ن ضیاء الحق بسر میبرد، و بگواهی حندی زنادی، برائت شکنجه های وحشیانه، جانش در خطر است. علاوه بر "حزب کمونیست پاکستان" دیگر نیروها و احزاب ملی، مترقی و دمکراتیک و همچنین مسلمانان انقلابی راستین نیز آماج سرکوبگریهای رژیم ضیاء الحق قرار گرفته اند و در مبارزه برای برانداختن بساط دیکتا توری اوشرکت میکنند.

در شهر پیورماه پیش، رهبران مهم ترین احزاب پاکستان برای هماهنگی اقدامات خود در جهت لغو حالت نوق العاده و اعاده دمکراسی به کشور در کراچی تشکیل جلسه دادند. چند روز پس از این جلسه، مردم در نقاط نظا هرات و سیسی، که در نقاط مختلف پاکستان، از جمله در بلوچستان پاکستان صورت گرفت، با شعارهای "مرگ سر دیکتا توری!" و "سرنگون باد رژیم دست نشانده ضیاء الحق!" نفرت خود را از سیاستهای حکومت سرسیرده اعلام دادند.

جندی بعد، حزب دمکراتیک ملی پاکستان، در بیانیه ای اظهار داشت: "رژیم ضیاء الحق تلاش بیشمارانه می‌ورزد تا زیر نام مقدس اسلام، دمکراسی را در کشور ما نابود کند. در حالیکه، اقدام های این رژیم کا ملایا اسلام مغایرت دارد."

اینست تنها گوشه ای از "بهشت آزادی" ژنرال ضیاء الحق! انجمن نمی نماید که دیکتا توری کستان نیز در این "بهشت!" خود ساخته جنسدان احساس امن کند، چه خودا و در سخنرانی گذاش دم خروس رانسان میدهد و میگوید:

"پاکستان آنقدر که از داخل با عناصر مخرب ایدئولوژی روبروست، در معرض خطر مرزی قرار ندارد"

اینکه هیچ یک از همسایگان پاکستان خطر مرزی برای این کشور پدید نیامده اند، بلکه این خود پاکستان است که سالهاست، بدستور ربا بان آمریکا بی همسوران حیتی خود به تحریک علیه جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، جمهوری اسلامی ایران و هندوستان مشغول است، واقعیتی است آسکار، مادرمورد "عنا صر مخرب ایدئولوژی" باید گفت، چنانکه تجربه مبارزات خود ما با رژیم جنایتکار محمد رضا پهلوی نشان میدهد، این نیاز برای دیکتا تورها حیز جدیدی نیست، که مخالفان خود، یعنی خواستاران استقلال و آزادی را، "خرابکار" خوانند و آنها را با اتهام "مخرب ایدئولوژی" سرکوب کنند. ضیاء الحق "بهشت" ترور نیز از این قاعده مستثنی نیست.

شود و بیشتر این سئوال بیس می‌آید که: چرا این جزوه بازم در لحظات حساس تر، که به قضاوت تاریخ، در کباب روزها را میتوان از هشدارهای مسکولانه ما در همان نامه سرگشاده دید، تکرار شود، تذکر این نکته لازم است که حداقل توقع از یک هیئت مشغول این است که: در جواب به نکات و انتقاداتی که از سر دل سوری و با متناست و وفار انقلابی اعلام می‌شود، ایشان نیز همانگونه رعایت این اصول را بمایند، که هر سر خوردی جز این، فقط تفرقه اندازی، تسخ جو و گل آلود شدن آب سده بود دشمنان انقلاب است. نه نهایتا امپریالیسم از آن بهره خواهد گرفت."

* * * نامه "مردم" از مسکولین کسور و بویژه ورپر حذ و آموزش پرورس، حجت الاسلام دخت باهنرمی خواهد که با سررسی مسکولانه، اجازه دهند کسانی دانسته و ندانسته با امضای بر مسکولیتی چون "هیئت تاکازی"، به روس های مدرست در پاکستانی دست بپرسد و در راه اتحاد نیروهای انقلابی، در شرایط حساس عملی ست بیابدارد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

مبادا مسیر انقلاب منحرف شود!

اتحاد عامل پیروزی و نفاق باعث شکست است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرویزی تشکیل شد، عده‌ای از نمایندگان به جریان‌های اخیر اصفهان اعتراض کردند و خواستار رسیدگی به مسائلی که در این شهر روی داده است، شدند. در آغاز این جلسه، فومنی حائری نماینده فومن، به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور، درباره مبارزات مردم سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«فرد انقلابی اگر تجربه‌های گذشته را پیش روی خود داشته باشد، تقوی مانع اشتباه دوباره او می‌شود.»

ناطق سپس ضمن اشاره به دوران استبداد قاجار، مبارزات مردم و رهبران آن علیه حکومت قاجار، به‌تصریح شرایط آن دوران پرداخت و افزود:

«در آن دوران فرنگ‌پرگشته‌ها در کنار ملت و روحانیت هنگام انقلاب شدند، ولی بعد از پیروزی انقلاب زمره‌ها شروع شد... رهبر این‌ها تفرزاده بود. آن‌ها مبارزی را بعد از پیروزی انقلاب زمره کردند که اثرات خردکننده‌ای بر دوران بعد گذاشتند... آن‌ها می‌خواستند روحانیت را متزوی کنند و بعد خودشان به کارها برسند... علیه روحانیت همه‌جا شایعه پخش کردند. آنوقت کلمات فالانژ و انصارطلب که نبوده، جایش گرفتند؛ امل و فنیاتیک!»

نماینده فومن در ادامه سخنان خود گفت: «وقتی طباطبائی‌ها، رهبران انقلاب سرخوردند به زمین گذاشتند، تن‌زاده‌ها فلقشان شروع شد... چیزی نگذشت که رضاخان میرنیک آمد و با یک کودتای انگلیسی خون شهدای انقلاب مشروطیت را پایمال کرد.»

فومنی حائری در پایان حدتار داد که: «مبادا این انقلاب مسیرش منحرف شود. البته که نخواهد شد، با آن رهبری و آن ملت و شور و هیجان و شناختی که داریم. مسلم میرزابوری، سخنران بعدی پیش از دستور، درباره وحدت و روحانیت سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«یکی از بزرگترین عواملی که ملت‌رایی‌ها را کرد، وحدت بود. اتحاد همیشه عامل پیروزی و نفاق عامل شکست است... امیداست امر امام در مورد اتحاد عملی شود.»

میرزابوری آنگاه درباره روحانیت و مسیر آموزش روحانیون سخن گفت و تاکید کرد که روحانیت به جامعه اتصال دارد و به‌عنوان راهنمای مردم سرمد شده است.

خوارج

ملکوتی سخنران دیگری پیش از دستور، به مشکلات کشور اشاره و تاکید کرد که: «در خانه‌ها باید مشکلات عموم امت را تشریح کرد.»

وی سپس افزود: «خوب بود که پس از پیروزی انقلاب عوامل مشیبی را که باعث پیروزی انقلاب شده بود، بررسی و آن‌ها را تقویت می‌کردیم. ولی ما این کار را نکردیم، دشمنانمان کردند و این نقاط مثبت را تصحیف کردند.»

او بعد به تشریح قضایای اصفهان پرداخت و گفت:

«آیا در عرض ۱۴۰۰ سال برای مسلمانان وسایل ارتباط جمعی شوروی خاطر نشان کرده‌اند که اجلاس زمستانی پیمان ناتو در بروکسل، که اخیراً به کار خود پایان داد، در حقیقت با شمار تهدید و یخامت اوضاع جهان و مداخله در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی» برگزار شد.

روزنامه پراودا، چاپ مسکو، موافقت هم‌پیمانان رویایی آمریکا را با بحث در مورد اوضاع لبنان، که از جمله خواستهای آمریکا بود، مورد حمله زار داد.

اتحاد شوروی دروغ خبرگزاری‌های امپریالیستی را افشا کرد

زامینین سخنگوی هیئت نمایندگی رسمی اتحاد شوروی در هند گزارشی را که توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی مبنی بر عبور سران شوروی از لبنان



انتشار یافته بود، سرتا با دروغ خواند. این مقام شوروی گفت، پخش این خبر نمی‌تواند چیزی جز یک اقدام تفریحی و تحریک آمیز تلقی شود.

چگونه میتوان از خون شهیدان توده‌ای شرم نکرد؟

خورد...

آن دستی که تاریخ را ورق زده، از خون آن شهدا برخاسته بود.

و قافله خونین براه خود ادامه داد:

رفیق شهید عسکری دانی شیرین‌پناهی، در خط مقدم جبهه جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکا، در خون خود را نثار درغلتید. او جان خود را نثار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرد. رفیق شهید حجت‌الذوالفقاری، وقتی رزمندگان مسلمان مجروحی را بر شانه خویش به بیمارستان می‌برد، در خون خویش فروخته می‌شد. در تمامی طول جبهه، توده‌ای‌ها در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان‌خویش را نثار کرده‌اند و می‌کنند. یادگراها، در خون خود می‌غلطند. در فریاد و تیرانی به روزنامه‌ها اشاره می‌کرد، بنویسد: «یک توده‌ای بی‌وطن بنام پرویز حکمت‌جو در زندان خودکشی کرد.»

فریدون ابراهیمی بدست‌خود، ملابدار با نام‌تقلید هارا بر کردند انداخت و فریاد زد: «جلادها من آمده‌ام. طاب را بکشید، زنده‌باد ایران.»

و قاتل او و ۲۰ هزار رزمنده دیگر، ۳۰ سال بعد در دادگاه گفت: «من توده‌ای‌های بی‌وطن را تارومار می‌کردم.»

چکه پوستان‌شاه در بیدادگاه‌های شومشان، زیر سایه سلسله‌های حجری‌ها، عوول‌ها، شلتوک‌ها، ذوالقدرها، پرقزاده‌ها، کی‌غش‌ها و صفرخان‌ها را به زندان‌های ابد می‌فرستادند و جرم آن‌ها را «خیانت» اعلام می‌کردند.

و این تنها سرفصل‌های تاریخ غوغایی است که هزاران قربانی و زندانی از اشیاق صفحات آن فریاد می‌کنند. ۲۵ سال تمام جلادان امپریالیسم و ارتجاع توده‌ایا را به رگبار مسلسل می‌بستند و آن‌ها را «دخائن» می‌خواندند.

۲۵ سال تمام گرازهای شاه، شکنجه‌گاه را از خون توده‌ای‌ها رنگ‌میزدند و آن‌ها را «بی‌وطن» خطاب می‌کردند. و تاریخ ورق خیر، ۴ نفر شهید و ۲ نفر مجروح شدند. همین گزارش حاکمیت که بر اثر شلیک توپخانه دوردرد دشمن چنایکتار به مناطق مسکونی اهواز نیز ۳ نفر شهید و ۱۳ تن مجروح شدند. خیرنگار دفتر مرکزی حزب سوسیالیست نیز گزارش داد:

در این جبهه رزمندگان انقلاب با برتری قدرت آتش، دشمن را زیر ضربات گرفتند. بر اثر آتش خیاره‌اندازهای برادران جان‌پرکف سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران در این جبهه قتل‌عام ۱۸ روز یکشنبه تعداد ۱۷ عدد از سنگرهای دشمن نابود شدند.

شهید بزرگ روزبه، در بیدادگاه، زیر سایه سرنیزه‌ها فریاد می‌زد:

«من در عشق و ظلم شعله‌ورم. من بخاطر آزادی می‌بیمم مرگ را انتخاب کرده‌ام.»

و جلادان صف در صف «بی‌وطنی» خطاب می‌کردند. آرسن در قزل‌قلعه خوشن‌را قطره قطره و چش را درم‌زده نثار ایران می‌کرد و زیر متی برقی فریاد می‌زد:

«من برای آزادی ایران مبارزه می‌کنم. از مرگ هراسی ندارم.»

و گروهبان ساقی جلاد بانک می‌زد: «حرف‌بزن توده‌ای‌ها، حکمت‌جو در زیر دستهای تهرانی کمرش درم می‌شکست، دست‌های سلاخی می‌شد، پاهایش را می‌بریدند و فریاد می‌زد: «زنده‌باد ایران، زنده‌باد حزب.»

و تیرانی به روزنامه‌ها اشاره می‌کرد، بنویسد: «یک توده‌ای بی‌وطن بنام پرویز حکمت‌جو در زندان خودکشی کرد.»

فریدون ابراهیمی بدست‌خود، ملابدار با نام‌تقلید هارا بر کردند انداخت و فریاد زد:

«جلادها من آمده‌ام. طاب را بکشید، زنده‌باد ایران.»

و قاتل او و ۲۰ هزار رزمنده دیگر، ۳۰ سال بعد در دادگاه گفت: «من توده‌ای‌های بی‌وطن را تارومار می‌کردم.»

چکه پوستان‌شاه در بیدادگاه‌های شومشان، زیر سایه سلسله‌های حجری‌ها، عوول‌ها، شلتوک‌ها، ذوالقدرها، پرقزاده‌ها، کی‌غش‌ها و صفرخان‌ها را به زندان‌های ابد می‌فرستادند و جرم آن‌ها را «خیانت» اعلام می‌کردند.

واما...

واما... شرم نمی‌کنند آنان که با جلادان خلق ما و دشمنان انقلاب ما هم‌سخن میشوند؟

چگونه میشود انقلابی بود و روزبه را «دخائن» خواند؛ چگونه میشود همین‌دوست بود و وارطان و کوچک و وشتیری را «وطن‌فروش» دانست؛ چگونه میتوان ایرانی‌برد و افسران شهید توده‌ای را «مستون پنجم» نامید؛ این کدام «اخلاق» است که به تو اجازه می‌دهد، رفیق عسکر دانی را، که در قطعه شهدا، در امامزاده سمنان، در کنار شهیدان مسلمان آوریده است. «مستون پنجم» بخوانی؟ این کدام قلم است که بخود جرئت میدهد رفیق ذوالفقاری را، که مردم قبرستان شیراز بیکسر گل‌گوشی را همراه ۷ شهید مسلمان تصحیف کرده‌اند، «وطن‌فروش» خطاب کند؟ این کدامین دهان است که رزمندگان را که هم‌اکنون در جبهه‌ها در خون و آتش غرقند، «دخائن» می‌خواند؟ این کدام مسلک سیاسی و دینی است که اجازه میدهد، ۲۰ سال سپار، ۴۰ سال شهادت، ۲۰ سال نبرد، هزاران شهید، دیدم‌ترین زندانیان دنیا و گروهی‌از جانب‌ز-ترین رزمندگان جبهه را «دخائن» خطاب کند؟

آنان که این الفاظ را تکرار می‌کنند - روی سخنمان با امپریالیسم، با ارتجاع، با دژخیان، با ضدانقلاب و با مائوئیست‌ها نیست - از خون اینهمه شهید توده‌ای شرم نمی‌کنند؟

بیایید و از خون شهیدان توده‌ای شرم کنید! بیایید و عشق‌ورا خیانت‌نمایید! بیایید و شهادت‌را وطن‌فروشی خطاب کنید! بیایید و چنابزی را جاسوسی نام نگذارید! بیایید و از خون شهیدان توده‌ای شرم کنید!

و بدانید... بدانید که زنگار دشنام و افترا چسبه حقیقت را پنبهان نخواهد کرد.

بدانید که هیچ دستی بلندتر از حقیقت نیست. بدانید که بر رزم و نبرد نمی‌توان خاکستر دشنام و افترا پاشید. بدانید که حقیقت را می‌توان لجن پاشید، می‌توان به زندان انداخت، می‌توان تیرباران کرد، اما نمی‌توان آن را کشت. بدانید که پیروزی ما در اتحاد ماست.

این هفته در نامه مردم بزبان کردی می‌خوانید:

- امام خینی: این مردم بودند که این دولت را روی کراوردند و این رئیس جمهور را رئیس‌جمهور کردند.

- توطئه تازه آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به مرحله عمل می‌رسد.

- خاطره ۱۶ آذر - توطئه جدید ضدانقلاب علیه حزب توده ایران: ضدانقلاب با نام حزب توده ایران اعلامیه پستی می‌کند.

- باند قاسملو، عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیرون) کنکره چهارم را به‌اعدام محکوم کرد.

- پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه سراسری دانشجویان عراق (کوسیر)، به مناسبت ترور یکی از اعضای آن بدست جلادان رژیم صدام.

- اعلامیه فدراسیون جوانان دمکرات عراق: جوانان عراق علیه رژیم متجاوز و جنگ‌افروز صدام مبارزه می‌کنند.

- قطعه‌نامه تحم مردم مبادا، - گروه هارون‌الرشید، عمو سام! (ملتن اجنسی).

مواضع دشمن...

بقیه از صفحه ۱

در درگیری آخر وقت شنبه، بین تفنگداران دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای دشمن، درآتش سلاح‌های سنگین مدافعان انقلاب، ۲ سنگر تیربار و آرپی-جی ۷ دشمن منهدم شد. برپایه همین گزارش ساعت ۲۰ به‌مداد روز یکشنبه، یک‌موضع دشمن توسط دل‌اوران نیروی دریایی به آتش کشیده شد، که دود ناشی از آن تا ساعتی مشاهده می‌شد. در درگیری‌های یکشنبه در جبهه خونین‌شهر، هیچ‌گونه تلفاتی به نیروهای انقلاب وارد نشد. برپایه همین گزارش، بعد از ظهر یکشنبه، هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، مواضع دشمن مزدور را در بیابانهای اطراف جاده آبادان - ماهشیر بمباران کردند، که از تلفات نیروهای دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست. مزدوران صدامی بار دیگر مناطق مسکونی شهر آبادان را هدف آتش توپخانه خود قرار دادند، که در نتیجه طی ۲ روز شنبه و یکشنبه چندین منزل مسکونی دچار آتش‌سوزی شد و ۶۰ تن زخمی شدند. همچنین دشمنان متجاوز، روز یکشنبه، با توپخانه دوربرد خود چند منطقه مسکونی شهر زفول را مورد هدف قرار دادند، که به گزارش دفتر مرکزی

برتری طلبان پکن به مسلح کردن تروریستهای افغانی اعتراف می‌کنند

فان تان لون، معاون وزارت امور خارجه چین، اعتراف کرد که یک تروریستی را که برای خرابکاری به افغانستان انقلابی فرستاده می‌شوند، مسلح می‌کند. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی، به سئوالی که در این مورد شده بود، جواب مثبت داد. این مقام چینی اضافه کرد که رهبری چین تحویل اسلحه به این تروریست‌ها را وظیفه خود می‌داند. بدین‌طریق، رهبران برتری‌طلب پکن وسعا به دخالت در امور داخلی افغانستان، که در جهت همکاری کامل با امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده پاکستان است، اعتراف کرده‌اند.

رسانه‌های گروهی شوروی تلاش امپریالیستها را برای مداخله در امور کشورهای سوسیالیستی محکوم کردند

خبرگزاری شوروی تاس نیز کوشش‌هایی را که هنگام باسلاخ هته آتلانتیک، در جهت فشار به لیبستان سوسیالیستی انجام گرفت، مورد انتقاد قرار داد و آن‌ها را بی‌فایده خواند.

همچنین روزنامه کراسنایا آوزودا (ستاره سرخ) عملیات گشتی هواپیماهای جاسوسی آمریکا را در مجاورت سرحدات غربی کشورهای جامعه سوسیالیستی، که بتازگی آغاز شده است، یک مفسدجویی آشکار خوانده است.

مروری بر نمایشگاه عکس «جنگ، جنگ است!»



نمایشگاه عکس از جبهه‌های جنگ میهنی - مقاومت دلاورانه رزمندگان ایران در برابر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، که به وسیله رژیم صدام انجام گرفته است - در دانشگاه تهران، از ۳۰ آبان تا ۳۰ آذرماه جاری برقرار است.

نمایشگاه، که عنوان «جنگ، جنگ است» را بر خود دارد، از جانب انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ترتیب داده شده است.

نمایشگاه مورد استقبال شور-انگیز رزمندگان پشت جبهه واقع شده است. از جمله دسته دسته دانش‌آموزان مدارس تهران - هر روز از ساعت ۹ تا ۳ بعد از ظهر - به نمایشگاه می‌آیند و از نزدیک با جنایات امپریالیسم جهانی و بویژه آمریکا و دستیارش رژیم صدام، در این جنگ تجاوزی و تحمیلی و نیز درس عبرتی که هم‌میهنان در مقاومت دلاورانه خود به دشمن می‌دهند، آشنا می‌شوند.

یکی از برپاکنندگان نمایشگاه، در گفتگو با خبرنگار نامه «مردم» در مورد هدف از برپایی نمایشگاه چنین می‌گوید:

«بعضی از برادران و خواهران ما، سعادت شرکت در جنگ را یافته‌اند. ما که در پشت جبهه ایم، باید کارهایشان را به مردمی که از جبهه دورند، نشان بدهیم.

تا اهمیت کارشان برای مردم معلوم شود. البته رادیو و تلویزیون هم همین کار را انجام می‌دهند، ولی ما هم وظیفه خود دانستیم که تمام نیرویمان را در خدمت جبهه بسیج کنیم».

نمایشگاه با تصاویری از مبارزان شهرهای جنوب و غرب کشور آغاز می‌شود، تصاویری که گویای رنج و درد مردم ما و خستگی و شقاوتی است که مردمان را در اختیار جهانی بر این مردم روا می‌دارند؛ عکس‌های مادران جنگ در گیسو انداخته، پدربزرگ که جسد کودکی را آندوخیار بر دست می‌برد، خانه‌هایی که ویران شده‌اند و تلاشی که مردم برای یافتن اجساد عزیزان خود از زیر آوار می‌کنند.

این خروش امام خمینی است که در فضای نمایشگاه طنین انداخته و بر زیرنویس عکسها نقشه است:

«ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار این جنگهای تحمیلی است.»

جنگ بر ما تحمیل شده است. میهن انقلابی ما مورد تجاوز ددخویان سدامی قرار گرفته است. دلاوران میهن ما که به اهمیت جهانی انقلاب خود واقفند و نیک می‌دانند که تداوم انقلاب و حفظ و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، زحمتی کاری بر تن فرسوده امپریالیسم فرود می‌آورد، سلاح برمی‌گیرند و چون تنی واحد، برای دفاع از میهن به جبهه جنگ می‌شتابند.

تصاویر نمایشگاه، بیانگر غلیان احساسات شریف انقلابیون میهن دوست است: عکس‌های عشایر دلاوری که با یک دست سلاح و دست دیگر مشت‌گره کرده خود را بسوی تجاوزکاران نشانه رفته‌اند. پاسداران و سربازانی که سلاح به دست در سنگر، برای نشان دادن هتسرسلح‌نورشان ژانیه شماری می‌کنند. جوانانی که به جبهه اعزام می‌شوند. کودکان، پیران و جوانانی که خشم و نفرت خود از دشمنان بشریت و انقلاب را در سلاح‌هایی که بر دوش دارند، می‌روروند. روحانیت مبارز، که نقش انقلابی خود را در جبهه ایفاء می‌کند.

نگاهی

به جنگ سیاسی

«جنگ سیاسی» اکنون بصورت یکی از برنامه‌های ثابت سیما جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول - درآمده است، که هر شب شنبه، پیش از اخبار، پخش می‌شود. در این «جنگ» - چنانکه در چند هفته گذشته دیده شد - سعی بر اینست که مسائل سیاسی داخلی و خارجی هفته گذشته جمع‌بندی و تحلیل شود. این بخودی‌خود هدف ارجحندی است که می‌تواند، پس از پوشش وسیع تلویزیون در میان توده‌ها، برداشتی سیاسی آنها بیافزاید و به بسیج توده‌ها علیه دشمنان داخلی و خارجی کمک ارزنده‌ای برساند.

باید گفت که «جنگ سیاسی»، که با استفاده از تکنیک فیلم‌برداری زیبایی‌های بصری و بویژه نمایش فیلم‌های مستند، می‌کوشد از نظر شکل کامل باشد، در سمت اساسی محتوای خود قابل تأیید است.

این «جنگ» - تاکنون برغم برنامه‌های غیرقابل قبول آن درباره لبنان، در مجموع در خدمت افشای نوشته‌های امپریالیسم و ترغیب‌های آن در ایران و جهان بوده است. اما متأسفانه برخی برخوردها به مسائل، این «جنگ» را دچار نقایص جدی کرده است. در برنامه این هفته «جنگ» که عصر جمعه ۲۱ آذر پخش شد، در کنار تفسیر درست درباره نقش انقلابی سوریه در پشتیبانی از انقلاب ایران و مساجبه با آقای مصطفی تبریزی، نماینده مجلس انقلاب ایران هستند، ولی چون دولت ایران مانع

شورای اسلامی، دو نقش جدی دیده می‌شد: اولین نقش مربوط به فیلمی بود که در آن از «هائو» بعنوان یک فرد «رادیکال» ستایش می‌شد و همه جنایاتی که مائوئیست‌ها، با رهبری مائو و براساس نظریات او زیر پوشش «انقلاب فکری» و «جبهه بزرگ» انجام دادند، به حساب «لیبرال‌های» چین نوشته می‌شد. باید گفت که این ارزیابی از موقعیت چین در گذشته و امروز، بکلی نادرست است و تکنیک هیئت حاکمه چین به‌دو گروه «لیبرال» و «رادیکال»، که مائو نماینده دومی باشد، برواقیت تاریخی منطبق نیست. امیدواریم تهیه‌کنندگان این فیلم، که با حسن‌نیت کامل و با توجه به خطری که از جانب لیبرال‌ها انقلاب ایران را تهدید می‌کند، آن را تهیه کرده‌اند، از این پس به این واقعیت توجه کنند.

نقش دیگر «جنگ» این هفته در انعکاس مساجبه با خبرنگار شبکه تلویزیونی «سی. بی. اس» آمریکا بود، که برای تهیه گزارشی از جبهه‌های نبرد، همراه خبرنگاران دیگر، به ایران دعوت شده، و طبق گزارش همه روزنامه‌های کشور، بازم اخبار تحریف‌شده مخابره کرده است. در این مساجبه، که حتماً هدف از آن افشای شیوه عملکرد خبرنگاران امپریالیستی بود، خبرنگار آمریکایی مدعی شد که، وسائل ارتباط جمعی آمریکا آماده انتشار اوقیات انقلاب ایران هستند، ولی چون دولت ایران مانع

سرخیوست‌ها هم «گروگان» گرفته بودند!

دوشنبه شب، پیش از اخبار، پخش دیگری از سریال تکان‌دهنده «سرخیوست‌های آمریکا» از شبکه اول تلویزیون پخش شد. در این سریال، که توسط «گروه جوان» سیما جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از اسناد تاریخی و فیلم‌های سینمایی ساخته شده، جنایات موخس امپریالیست‌ها و بویژه یانکی‌ها در کشتار بیرحمانه سرخیوست‌ها - این صاحبان اصلی قاره آمریکا - بصورت یک سند تاریخی، که لحظه لحظه آن باقتلام کودکان، پیرزنان، پیرمردان، زنان و مردان سرخیوست‌نوشته شده، ارائه می‌شود.

پیش‌کنندگان تلویزیونی در قسمت‌های قبلی با سبب تاریخی هجومی قاره آمریکا، که پیش‌تازان آن استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی بودند، آشنا شدند، و همچنان که پیش‌آمدند، با پاک کردن قاره از تمدن

دفاع از حداقل زندگی است که در فیلم‌ها و رمان‌های آمریکایی، «وحشیگری» و «آدم‌کشی» سرخیوست‌تاریخ شده است. سریال نه تنها از اهمیت این تبلیغات، که در پشت خود نام‌های معروفترین کارگردانان آمریکایی، مانند «جان فورد»، را دارد، برده برپا کرده، بلکه بروشنی تمام درنده‌خوئی امپریالیسم را، که از مابیت آن برمی‌خیزد، نشان می‌دهد.

مثل این است که سرخیوست‌های آمریکا هم «گروگان» گرفته بودند به این خاطر ناپدید می‌شدند!

ما پیشنهاد می‌کنیم که با پایان این سریال، برنامه‌هایی مشابه، درباره جنایات امپریالیسم آمریکا در حق دیگر اقلیت‌های این کشور، از قبیل سیاهان، یهودی‌نژادها، عکزیکی‌ها و... تهیه و از سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شود.

نمایشنامه «شادروان عباس آهنگر»

چهارشنبه شب گذشته تلویزیون شبکه اول - نمایش کوتاهی را بنام «شادروان عباس آهنگر» پخش کرد. این نمایش، که علیرضا مجمل و جهانگیر الهامی نقش‌هایش را ایفا می‌کردند، به جنگ ارتباط داشت و نشان میداد که چگونه یک «آهنگر» در جنگ شرکت می‌کند.

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع اقتباس تازه‌ای از نمایشنامه دیگر خلج است، که چندسال پیش، با نام «چشمه کشی»، اجراهای متعدد داشت. خلج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچک و بازار و اصطلاحات و رسومات قهوه‌خانه - این محل تجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، عمق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلج از محتوا خالی شد. سپس در دوران خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلج در «چشمه کشی» - سبب انتقادی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. بنظر می‌رسد که خلج کوشیده است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام بردارد. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم چنانکه نمایش کوتاه «شادروان عباس آهنگر» نشان می‌دهد - خلج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر اثر او در خدمت محتوایی است که این بار - هرچند

رنج و روی انقلابی دارد - اما انقلابی نیست. نمایش کوتاه «شادروان عباس آهنگر» در یک قهوه‌خانه می‌گذرد. قهوه‌چی، که از مرغ‌های کشیدن کتله‌ها، تا زبان محاوره با مرغ‌های عشق و بکاربردن اصطلاحات، یادآور یک قهوه‌چی سنتی است. نزدیکترین دوست‌خود را در یک تصادف از دست داده است. هنگامیکه دریا اوست، یک مشتری، که سر و روی خود را پیچیده، وارد می‌شود، و بعد از آنکه قهوه‌چی مضملاً درباره دست فقیدش حرف می‌زند و گریه می‌کند، معلوم می‌شود که مرد تازه وارد همان «عباس آهنگر» است، که در واقع در تصادف کشته شده، و آنکه کشته شده، دوست دیگری است که شناسنامه عباس را برای گرفتن پول از بانک در جیب‌داشته است.

هانظور که گفتیم، هسته اصلی این نمایش، همان مضمون «چشمه کشی» است. بعد از اینکه گره نمایش در اینجا باز می‌شود - و در این حد میشد آن را بعنوان یک میان‌پرده پذیرفت - عباس آهنگر می‌گوید که قصد دارد به جنگ برود. می‌گوید که بعد از این حادثه بفکر افتاده که بچنگ برود. قهوه‌چی می‌پرسد: چرا؟ و عباس آهنگر می‌گوید: نمی‌دانم. در محاوره نسبتاً طولانی در این زمینه، معلوم می‌شود که عباس آهنگر می‌خواهد به جبهه برود، اما نمی‌داند چرا می‌خواهد این کار را بکند. در پایان زیبای نمایش، وقتی قهوه‌چی کنار در قهوه‌خانه، مرغ عشق را آزاد می‌کند و به پشت سر خود می‌نگرد،

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

کمیته مالی به حزب سوسیالیست یک وطنه انقلابی است!

دوست عزیز! ق از قم، هدیه شما رسید.

مهرش یکسکه رسی

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کمیته سوسیالیست شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نامه مروم
آرگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 396
16 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران